

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۵۸ / سال ششم / تیر ماه ۹۶ / نشریه سندیکای کارگری ایران



آزاد سازی دستمزدها = طرح کارورزی





# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۳

گزارشات کارگری از واحد های تولیدی سراسر کشور ص ۱۴

۲۳ تیر ۱۳۲۵ نقطه عطف خیرش جنبش کارگری ایران! ص ۳۴

ناریخچه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی ص ۴۵

مالیات کارگران و کارمندان ص ۴۷

مزد، استعمار پنهان ص ۴۸

افزایش مزد حق کارگران ص ۵۰

بدروود گزارشگر مردمی، بدروود! ص ۵۱

طنزها و خاطرات کازیم عاشقی کارگر فلز کار ص ۵۳

چه باید کرد؟! ص ۵۵

عباس آقا کارگر ایران ناسیونال ص ۵۶

واردات پوشاک ترکیه به ایران با چه هدفی؟ ص ۵۸

مبارزه زنان شاغل در راه تامین امنیت شغلی ص ۶۰

آقای وزیر کار، مرگ «ارزان» شده است! ص ۶۲

کاش جنگی نبود (شعر) ص ۶۳

آگاهی زنان طبقه ی کارگر ص ۶۴

## آمار واقعی بیکاران کشور و آزاد سازی دستمزد کارگران

[Kmkoomk.wordpress.com](http://Kmkoomk.wordpress.com)

(سازمان جهانی کار) آی ال او: "هر کس یک ساعت در هفته کار کند شاغل محسوب می شود" بر این اساس نولیرالی- امریکای وزیر کار حاکمیت اسلامی ایران که مدتها کار اطلاعاتی کرده و به خوبی از درون مایه دیدگاه های سازمان های ضد مردمی سرمایه داری با خبر است برای توجیه آمار های نادرستی که برای سر در گم کردن مردم اعلام می کند این نظریه سازمان جهانی کار را بدون توجه به این واقعیت که آیا با یک ساعت کار در ایران می شود هزینه زندگی یک خانواده یا حتی تنها هزینه زندگی یک روز یک نفر را تامین کرد؟ مورد استناد قرار می دهند و اعلام می نمایند آمار بیکاری در ایران سه میلیون و دویست هزار است (ایسنا ۱۲ اردیبهشت ۹۶) یک وزیر مسئولیت سنگینی نسبت به مردم دارد و حق ندارد مانند یک روزنامه نگار نئولیرالی اظهار نظر کند و آمار بدهد. یک روز بعد در روز ۱۳ اردیبهشت ۹۶ در پاسخ به خبرنگار ایلنا که گفته بودند: یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری اعلام نموده یارانه را ۲۵۰ هزار تومان خواهد کرد. ایشان که حرف های روز پیش خود را فراموش کرده بودند، گفتند: "اگر بخواهیم به هر فرد بیکار ماهیانه ۲۵۰ هزار تومان پرداخت کنیم به طور قطع بیش از ۲۰ میلیون نفر مراجعه می کنند" در واقع جناب وزیر بدون خواست خود، بخشی از آمار واقعی بیکاران کشور را افشا کردند. از سوی دیگر اصلاح قانون کار که نامی ریا کارانه است و درحقیقت منظور حذف قانون کار است تا به زعم ایشان موانع سرمایه گذاری شرکت های غربی از میان برداشته شود. توسط این دولت و این وزیر روانه مجلس شده است. از سوی دیگر طرح برده داری "کارورزی" که حقوق یک دانش آموخته دانشگاه مبلغ ۳۱۰ هزار تومان خواهد بود. بدون بیمه تامین اجتماعی بدون بازنشستگی بدون سنوات و... طرح بنیادی این دولت برای ایجاد اشتغال است. با عملی شدن این طرح یک دانش آموخته دانشگاه پس از حداقل ۱۶ سال تحصیل که چهار سال آخرش آموزش آکادمیک است تازه می باید با روزانه ۳۱۰ هزار تومان استخدام شود و زندگیش را سامان دهد. در حالی که اصل حداقل حقوق یک پنجم خط فقر است شما یک سوم حداقل حقوق

را که یک دانش آموخته جوان باید دریافت کند محاسبه کنید چه در صدی از خط فقری است؟! این فاجعه قرن ۲۱ در ایران را چگونه می شود توجیه کرد؟! دولت با پذیرفتن نئولیبرالی خود نیز اعلام می کنند هیچ مسئولیتی در قبال کار، بیکاری، فقر و تنگدستی جامعه ندارد. آیا این های و هوی انتخابات تنها برای انتخاب مجدد آنها بوده است تا منابع ملی، و دلارهای نفتی را بین خودی ها تقسیم کنند؟! این پرسش ما از مردم ایران نیست چون این ملت را چنان مسخ کرده اند که دیگر قادر نیستند دوست و دشمن طبقاتی خود را از هم تشخیص دهند. این پرسش ما از دولت مردان هم نیست زیرا این جماعت پس از جنگ، چه اصول گرا و چه به اصطلاح اصلاح طلب همگی دنباله رو جناب رفسنجانی هستند که بنیاد نئولیبرالی را با کمک اقتصاد دانان پیرامون دولت های پس از جنگ، مانند نیلی، غنی نژاد، دادخواه و . . . در ایران پی ریختند تا هستی ایران زمین را به نیستی بدل کنند. از این رو ضرورت اعلام آمارهای غیر واقعی و گمراه کردن مردم و سپردن منابع ملی به مشتی دلال به یک وظیفه شرعی- قانونی دولت ها تبدیل شده است. این جماعت دلال پیشه در عمل هیچ گرایشی حتی به سرمایه داری صنعتی هم ندارند. لذا از مشتی دلال پرورنمی توان انتظار یک پاسخ منطقی را داشت. پرسش ما از چپ های دیروز است که مدعی بودند دانای کل هستند و تصور می کردند آنها می توانند به تنهایی همه مسایل اجتماعی را حل کنند. ولی اینک تبلیغات چی کانیدهایبی شده بودند که بدون تردیدی می گویند قصد دارند نئولیبرالیسم را در ایران ادامه دهند و همه اصول آن را دارند با نامهای اصلاح قانون کار، طرح کارورزی با حقوق ۳۱۰ هزار تومان برای یک دانش آموخته دانشگاه و آزاد سازی دستمزد ها، در عمل کاربردی می کنند. از سوی دیگر جناب رییس جمهور مدعی می شوند که در حال کاربردی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی هستند (البته با مناسبات اقتصادی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی!!!) در حالی که به مردم نمی گویند این اصل ۴۴ همان اصل ۴۴ روزهای اول انقلاب نیست و جناب رفسنجانی توانستند آنرا وارونه کنند تا جای پای برای اقتصاد امریکایی در ایران باز شود و دولت های پس از جنگ هم بدون استثناء آن راه را ادامه می دهند. آقایان رفسنجانیسم ها هم که بیشرمانه نام چپ را آلوده کرده اند، مرید مرده ریگ جناب رفسنجانی شده اند. مارکسیسم رفسنجانیسم ها، آیا با اقتصاد نئولیبرالیسم گام به گام به سوی عدالت اجتماعی (سوسیالیسم) پیش خواهید

رفت؟! در واقع همان ادعای سوسیال دموکراتهای قرن نوزدهم که سر از نئولبرالیسم تاجر-ریگانیسم در آورده اند. درکنار همه ترفندهای ماکیاولیستی دولت های پس از جنگ ایران طرح آزاد سازی دستمزدها از همه قابل توجه تر است زیرا آقایان کارفرماها ربا مقررات مناطق آزاد تجاری- صنعتی کاملاً آزاد می گذارند تا در بازار کار هرگونه تشخیص می دهند سود بیشتری به کیسه اشان سرازیر می شود عمل کنند ولی اگر چند کارگر دورهم جمع شدند و می خواستند درباره چگونگی دریافت حقوق به تعویق افتاده اشان گفتگو کنند به عنوان اقدام علیه امنیت ملی به محاکم شرع تحویل داده می شوند تا با شلاق و زندان به آنها بفهمانند حاکمیت دینی در عمل از کدام طبقه اجتماعی حمایت می کند. درهرصورت طبقه کارگرایران آن چنان از نظر کمی آب رفته است که می باید به جای رفتن به سوی تشکیل و ایجاد سندیکاهای کارگری، به سوی ایجاد سندیکاهای کارگران بیکار پیش برویم و برای همان کار ماهیانه ۳۱۰ هزار تومان سرودست بشکنیم. البته با معیار وزیر کار فعلی و همه دولت های اصول گرا و اصلاح طلب، همه کارگران و دانش آموخته های جویای کار می باید به کارتن خواب ها تبدیل شوند زیرا دیگر نیازی به خانه و بهداشت و آموزش و پرورش، لباس و خورد و خوراک ندارند، یک تکه نان و یک کارتن برای زندگی کافی است. البته کسی که در سرما و گرما با یک کارتن بتواند زندگی کند بیمارهم نخواهد شد، دارو و درمان و بهداشت هم غیرضروری می شود. ولی آقایان بدانید، دستانی که با همه امکانات و قدرت فنرهای اجتماعی را می فشارد و از وحشت در رفتن فنر فشار را رها نمی کند درنهایت به نقطه ای خواهند رسید که عضلات دچار گرفتگی می شوند و فنر چه بخواهید و چه نخواهید رها خواهد شد. درآن صورت دیگر امکان کنترل غیرممکن خواهد بود. شاید به همین دلیل باشد که برخی از خودی ها دومیتهی شده اند و دیار "کفر" را بر دیارخود ترجیح می دهند. ولی دومیتهی شدن چنان گسترده شده است که همه مدیران شرکت های دلالی کارهم، بدون استثنا یک گرین کارت در آستر کت شان جا سازی کرده اند. پیش به سوی تشکیل سندیکای کارگران بیکار ایران. **اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران**

**سخن گو ناصر آقاجری ۷ تیرماه ۹۶**

## حضور نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در آی.ال.او. - ژنو



**سخنرانی نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در اجلاس سالانه مرکز  
بین المللی دفاع از حقوق سندیکایی ، ۲۰ خردادماه ۱۳۹۶**

کنفرانس سالانه سازمان بین المللی کار، آی.ال.او، از روز ۱۶ خرداد ماه آغاز شده و تا روز ۲۷ خرداد در مجتمع مرکزی این سازمان معتبر جهانی در ژنو، سوئیس، ادامه خواهد داشت. نمایندگان هیئت های نمایندگی از همه کشور ها و همچنین ساختارهای عمده جنبش سندیکایی جهان در این کنفرانس حضور دارند. دستور کار صد و ششمین اجلاس سازمان بین المللی کار در ژنو از جمله در بر دارنده بحث ها و تصمیم گیری های مهمی در رابطه با «کار شرافتمندانه» و «ایمنی محیط کار» می باشد .

در این کنفرانس مهم که مصوبات آن می توانند بر زندگی و شرایط کاری و مبارزاتی کارگران ثر های مهمی داشته باشند، از کشورهایی که عضو سازمان بین المللی کار هستند هر ساله نمایندگان دولت ها و ساختارهای نمایندگی رسمی کارفرمایی و کارگری در قالب یک هیئت سه جانبه به ژنو مسافرت و

در جلسه‌های ویژه به تبادل نظر و تصمیم‌گیری در امور مربوط به بازار کار و شرایط کاری و حقوق کاری و قوانین مربوط به این عرصه‌ها می‌پردازند. البته در هیئتی که از طرف جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس شرکت می‌کند نمایندگان واقعی کارگران و اعضای سندیکا‌های مستقل شرکت و حضور ندارند و در واقع فقط نمایندگان ساختارها و نهاد‌های ضدکارگری وابسته به حکومت یعنی خانه کارگر و «مجمع عالی نمایندگان کارگری» در هیئت رسمی حضور دارند.

به دعوت «مرکز بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی» نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران در روز ۹ ژوئن/ ۲۰ خردادماه در اجلاس سالانه شورای مرکزی این نهاد فعال که در زمان برگزاری کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار در ساختمان مرکزی آن در ژنو برگزار می‌شد شرکت کرد و در رابطه با شرایط کاری و مبارزاتی کارگران و سندیکا‌های کارگری ایران سخنرانی کرد.

مرکز بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی از سوی «شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل» و همچنین «سازمان بین‌المللی کار» به عنوان سازمان غیردولتی بین‌المللی فعال در عرصه حقوق سندیکایی به رسمیت شناخته شده است. در بخش اول اجلاس شورای مرکزی علاوه بر نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، نمایندگان «کنفدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری ژاپن»، «سازمان اتحادیه‌های کارگری غرب آفریقا»، «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری کره جنوبی»، و همچنین یک حقوق‌دان از مرکز حقوقی دفاع از حقوق کارگران در برزیل سخنرانی کردند.

نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در سخنرانی خود در اجلاس پس از تشکر از رهبران مرکز بین‌المللی دفاع از حقوق سندیکایی برای دعوت به شرکت خود در این نشست، در ابتدا در رابطه با تاریخچه حیات و مبارزه سندیکا از دهه ۱۳۲۰ تا زمان حاضر با تأکید بر شرایط مشخص مبارزاتی در اولین دهه، مبارزه سندیکایی در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ و معضلات کار سندیکایی موثر و اصولی در شرایط حکومت استبدادی و سرکوبگری ساواک و ارگان‌های فشار، شرکت موثر و تعیین‌کننده

کارگران و فعالین سندیکایی در روند انقلاب و پیروزی آن، فعالیت های سندیکایی تا مقطع بسته شدن سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در سال ۱۳۶۲ و دستگیری فعالان و رهبر سندیکا، دوره ۲۰ ساله عدم وجود شرایط برای حضور علنی سندیکا در عرصه فعالیت قانونی تا سال ۱۳۸۳، و اعلام شروع دوباره کار سندیکا در سال ۱۳۸۴ و ادامه کار در ۱۲ سال اخیر و عرصه های عمده فعالیت آن سخن گفت. او در توضیح شرایط به فعالیت کارشکنانه خانه کارگر و تشکل های وابسته به ارگان های رسمی و از جمله کوشش آن ها برای مهار هر گونه فعالیت سندیکایی، و کلاً اقدام های آنان در مسیر ممانعت از متشکل شدن کارگران در سندیکاهای مستقل اشاره کرد. نماینده سندیکا با اشاره به اعمال شرایط امنیتی در محیط های کارگری که مانع شکل گیری تشکل های سندیکایی نیرومند می شود، مبارزه هدفمند و مهم سندیکاهای مستقل و از جمله سندیکای شرکت واحد، سندیکای کارگران هفت تپه، کانون صنفی معلمان ایران، سندیکای کارگران ساختمانی، سندیکای کارگران نقاش، اتحادیه کارگران پروژه ای و سندیکای کارگران فلزکار مکانیک را مورد توجه قرار داد که در شرایط دشوار موجود به کار خود ادامه میدهند. نماینده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک در آخرین بخش سخنرانی خود در اجلاس نحوه عمل و اقدام «سازمان بین المللی کار» در رابطه با مبارزه کارگران در کشور را مورد انتقاد قرار داد و تاکید کرد که هیات شرکت کننده از ایران در نزدیک به چهار دهه گذشته هیچگاه دربر دارنده نماینده واقعی کارگران ایرانی نبوده است. او گفت که از نظر تمامی کارگران و سندیکاهای کارگری مستقل ایران، گروهی که به صورت دست چین شده و غیر منتخب از نهادهای وابسته به وزارت کار و تحت کنترل مقام های مسئول کشور در قالب هیات شرکت کننده از جمهوری اسلامی ایران در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار حضور دارند، نماینده کارگران کشور نیستند و به هیچ روی نمی توانند خواست ها، نظرات و پیشنهادهای کارگران ایران را نمایندگی کنند و تصویر درست و قابل اتکایی از محیط کار در کشورمان در اختیار نمایندگان حاضر قرار دهند. او اهمیت کارزار همبستگی سازمان های کارگری و تشکل های سندیکایی در جهان با کارگران ایران را که در شرایط دشواری کار، زندگی و فعالیت می کنند را مورد تاکید قرار داد و خواستار توجه سازمان جهانی کار به محدودیت فعالیت سندیکاهای کارگری و این

حقیقت که دولت جمهوری اسلامی ایران اصولاً در رابطه با اجرایی کردن مقوله نامه های بین المللی مانند مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ هیچ قدمی بر نمیدارد، را متذکر شد.

آخرین سخنران این اجلاس نماینده «کنفدراسیون جهانی اتحادیه کارگری» بود که در رابطه با شرایط دشوار فعالیت سندیکا های کارگری در برخی از کشورهای جهان و از جمله ترکیه و ایران و ضرورت ایجاد مکانیزم های موثر برای حمایت از فعالیت موثر ساختارهای سندیکایی مستقل، ضرورت مداخله موثر و عاجل «سازمان بین المللی کار» در رابطه با دفاع از آزادیهای سندیکایی، ملزم کردن دولت ها به محترم شمردن مقوله نامه های سازمان بین المللی کار و به ویژه مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ در رابطه با «آزادی تشکل های کارگری و حمایت از حقوق سندیکایی» و «پیمان های دسته جمعی» سخن گفت.

در چارچوب این اجلاس ملاقات ها و گفتگوهای مفیدی با نمایندگان نهاد های بین المللی و همچنین سازمان های سندیکای در کشورهای مختلف و از جمله در روسیه، قزاقستان و فیلیپین انجام شد.

حضور نماینده سندیکای فلزکار مکانیک در ژنو همچنین فرصت مناسبی برای تبادل نظر با رهبران برجسته کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال فراهم آورد که در جریان آن مسئله ضرورت کارزار موثری در دفاع از حقوق سندیکایی در ایران، آزادی فعالان و رهبران سندیکایی ایران و از جمله آقای اسماعیل عبدی، دبیر کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، و همچنین فشار به مقام های رسمی و دولت ایران برای گردن نهادن به تعهدات خود در رابطه با مقوله نامه هایی که همه کشورهای عضو سازمان بین المللی کار در رابطه با آن موظف می باشند، مورد بحث قرار گرفت.

## گزارشی از وضعیت کارگران ایران به سازمان جهانی کار و تشکل‌های مستقل کارگری جهان



### گزارشی از وضعیت کارگران ایران

#### با سلام‌های گرم

وضعیت کارگران در ایران از جوانب مختلف طی سالیان اخیر رو به قهقرا داشته و تبدیل به یک بحران جدی گردیده است. از نقطه نظر اقتصادی، دغدغه کارگران بیکاری چند میلیونی از یک سو و دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر از سوی دیگر است. بطوریکه بسیاری از نیازهای انسانی نظیر تغذیه سالم و مقوی، آموزش، بهداشت، مسافرت و... برای کارگران تبدیل به کالاهایی لوکس و دست نیافتنی شده است. در مورد نیازهای اساسی نظیر خوراک و پوشاک، خانواده‌های کارگری مجبورند محدودیت‌های زجرآور را تحمل کنند. دولت برای تعیین دستمزد کارگران حتی حاضر به رعایت قانون کار که تاکید دارد حداقل دستمزد باید نیازهای یک خانواده را برآورده کند نیست. تعرض به دستمزد کارگران به تعیین دستمزد چند برابر زیر خط فقر ختم نمی‌شود و دولت بطور مستمر با ارائه طرح و تصویب آئین‌نامه‌هایی نظیر طرح استاد شاگردی و آئین‌نامه کارورزی تلاش دارد به بهانه رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال قیمت نیروی کار را حتی به یک سوم حداقل دستمزد کنونی کاهش دهد، با وجود اینکه دستمزد کارگر بخش ناچیزی از قیمت تمام شده کالاها و خدمات را در برمی‌گیرد. تعرضات دولتی به معیشت کارگر همچنین از طریق اختیاری کردن بیمه نمودن کارگر توسط کارفرما و گنجاندن آن در طرح‌ها و آئین‌نامه‌های مذکور بطور مستمر پیگیری می‌شود.

سطح ایمنی و بهداشت کار بسیار پایین است و عدم رعایت ایمنی در کارگاه های صنعتی و ساختمانی کارگران را هر روزه به کام مرگ می برد. حوادثی نظیر آتش سوزی ساختمان پلاسکو و ریزش معدن زمستان یورت که منجر به کشته شدن چهل و سه تن از معدنچیان شد تنها نمونه هایی شناخته شده از حوادثی است که رخ داده است. این حوادث به دلیل وسعت آن مورد توجه رسانه ها قرار می گیرد و توجه بسیاری را جلب می کند، اما حوادث کار به خصوص در بخش ساختمانی بسیار فراتر از این موارد هستند و روزانه تلفات جانی از کارگران این بخش می گیرد.

دستمزد های ناچیز کارگران ماه ها معوق می شود و مستند به اعتراضات توده ای کارگران کارگاه هایی وجود دارد که پرداخت دستمزد کارگرانش بیش از یک سال معوق شده است و زندگی فقیرانه کارگران را با تباهی مواجه ساخته است. روند معوق شده دستمزد کارگران نسبت به سال های گذشته متأسفانه رشد قابل توجه ای دارد.

در چنین شرایطی که دستمزد کارگران معوق می شود متأسفانه قراردادهای موقت حتی یک ماهه و قراردادهای سفید امضا بسیار رشد داشته است. علاوه بر این تعطیلی کارخانه ها و بیکار شدن کارگران سطح امنیت شغلی را نسبت به سال های گذشته بسیار کم کرده و تبدیل به موضوعات بغرنج برای کارگران شده است.

ریشه اصلی تحمیل فقر به کارگران، علاوه بر سیاستهای اقتصادی مدافع کارفرمایان و بازار آزاد نظیر خصوصی سازیها، ممانعت دولت از ایجاد سندیکا و تشکل های مستقل کارگری می باشد. و به همین دلیل راه سازماندهی کارگران برای دفاع از حقوق شان مسدود شده است. با کارگرانی که سندیکا و تشکیلات مستقل خود را ایجاد کرده اند نظیر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای نقاشان البرز و کانون صنفی معلمان برخورد های خشن صورت گرفته و کارگران و معلمان پیشرو در سندیکاها زندانی شده و یا از کار اخراج شده اند. فعالین کمیته های کارگری نیز از این قاعده مستثنی نبوده اند. حتی با کارگرانی که بنابر شرایط بغرنج بوجود آمده برایشان نظیر عدم پرداخت دستمزد چندین

ماهه و یا از دست دادن شغل خود تجمعات اعتراضی برگزار می کنند برخورد های پلیسی و قضایی صورت می گیرد. کارگران معدن بافق و معدن چادر ملو و معدن آق دره نمونه هایی از قریانیان برخورد های خشن دولتی هستند. بطور مثال کارگران معدن آق دره را با احکام قضایی شلاق زدند.

وضعیت معیشتی و حق و حقوق معلمان با شرایط بحرانی روبه روه بوده است، از جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد: بیمه معلمان علیرغم دریافت هزینه های بالا، خدمات را به شکل مطلوبی ارائه نمی دهد و موارد تحت پوشش آن کامل نیست. تعدادی از معلمان فعال صنفی در شهرهای مختلف به ویژه تهران با اتهاماتی به دور از واقعیت، به انواع مجازات ها از زندان طولانی، تبعید از محل سکونت یا اشتغال، اخراج، انفصال از خدمت و ... محکوم گردیده اند. به دلیل کاستی های مختلفی که در نظام آموزشی وجود دارد، سطح کیفی آموزش از دید معلمان دلسوز و متخصصین بسیار پایین بوده و دانش آموزان اغلب پس از دریافت دیپلم، از توانایی های لازم برای ورود به بازار کار برخوردار نیستند. بین آموزه های مدرسه و دانشگاه و همچنین زندگی روزمره هیچ همخوانی و رابطه ای وجود ندارد. برغم تاکید اصل ۳۰ قانون اساسی مبنی بر رایگان بودن آموزش های عمومی، حتی مدارس دولتی ایران نیز دانش آموزان را باروش های گوناگون و ادار به پرداخت پول می نمایند و تبدیل به مدارس آزاد شده اند. شهریه ی مدارس آزاد (غیردولتی) بسیار بالاست و عملاً شکاف طبقاتی موجود در جامعه را به بخش آموزش منتقل نموده است. معلمان روزمزد با عنوان های گوناگون و دستمزدهای ناچیز به کار گرفته می شوند که همان دستمزد نیز با تأخیرهای فراوان به آنان پرداخت می شود؛ ضمن اینکه از هیچگونه پوشش بیمه، بازنشستگی و امنیت شغلی نیز برخوردار نیستند. در ایران بیش از ۱۳ عنوان مدرسه (آزاد، غیردولتی، هیات امنایی، نمونه ی دولتی، شاهد، نمونه مردمی و...) ایجاد شده که هرکدام به نوعی سیستم آموزشی را تبدیل به بنگاه هایی برای جذب درآمد کرده اند. حقوق معلمان بسیار پایین تر از میانگین هزینه های یک خانواده متوسط در اغلب شهرهای ایران است؛ بطوریکه معلمان برای تامین هزینه های خانواده به ناچار به شغل های متفرقه و برخی به دور از شأن معلمی روی آورده اند. آنان به این ترتیب فرصت به روز نمودن دانش خود را از دست می دهند. به استثنای تعدادی از مدارس خاص، اغلب مدارس مجهز به امکانات لازم برای فعالیت

های آموزشی و پرورشی نیستند. درصد بالایی از مدارس در شهرها و به ویژه روستاهای دور افتاده ایمنی کافی برای حفاظت از جان دانش آموزان را ندارند. به آموزش مهارت های زندگی، هنر و ورزش توجه کافی صورت نمی گیرد. در برخی موارد از کمترین امکانات نیز در این زمینه ها برخوردار نیستند. برنامه تغذیه رایگان (شیر) به درستی اجرا نمی شود. معمولاً به میزان لازم و پیش بینی شده تأمین اعتبار نمی شود. در پرداخت پاداش پایان خدمت معلمان از طرف دولت تاخیرهای طولانی، گاه تا چند سال دیده می شود. به سرنوشت معلمان بازنشسته در این مدت و پس از بازنشستگی بی توجهی وجود دارد.

کارگران نیشکر هفت تپه در چندین سال اخیر برای به دست آوردن مطالبات خود بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده اند. از جمله این خواسته ها دریافت حقوق معوقه و پرداخت مناسب دستمزدها، مزایا و اضافه کاری، روشن شدن وضعیت بازنشستگان و حق ایجاد تشکل مستقل کارگری بوده است. همچنین این کارگران علیه سیاستهای خصوصی سازی دولت در صنعت نیشکر که منجر به بدتر شدن وضعیت کارگران و همچنین حضور گسترده تر نیروهای امنیتی و انتظامی در محیط های کار شده است اعتراضات متعددی را از جمله در روزهای اخیر سازمان داده اند.

دولت تنها تشکلاتی دست ساز به نامهای “شورای اسلامی کار”، “انجمن صنفی” و “نماینده کارگر” را به رسمیت می شناسد. این نهادهای وابسته به دولت به هیچ عنوان تشکل های واقعی کارگری نیستند و همگی در پروسه غیر دموکراتیک غالباً بدون برگزاری مجمع عمومی تشکیل شده اند و وابستگی های شدید به قدرتها و جناحهای دولتی دارند و تنها خطوط ترسیم کرده دولت را رعایت می کنند. این تشکلات فرمایشی خود مانعی جدی برای تشکیل سندیکاهای و تشکلهای مستقل کارگری و صنفی هستند. بطور مثال در سال ۸۴ افرادی تأثیر گذار در شورای اسلامی کار و خانه کارگر که مدیریتی اثر گذار در این تشکلات رسمی دارند با هماهنگی پلیس به ساختمان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حمله و اقدام به تخریب وسایل موجود در ساختمان کردند. آنان همچنین اعضای سندیکای واحد که در ساختمان حضور داشتند را مضروب و مجروح کردند. به طبع افرادی که در چنین بستری و با حمایت دولت بعنوان “نمایندگان کارگران” گزینش می گردند چه

در مذاکرات با دولت و کارفرمایان وجه در اجلاسهای بین المللی نظیر سازمان جهانی کار نمایندگان واقعی کارگران ایران نبوده و آنها را با چنین عنوانی نباید به رسمیت شناخت و اعتبار نامه برایشان صادر کرد.

با وجود تمامی محدودیتها و اعمال فشارهای فوق، اعتراضات کارگری در ایران رشد قابل توجهی به لحاظ کمی و کیفی داشته تا جایی که بخشی از اعتراضات به سطح شهرها کشیده شده و یا با حضور خانواده ها همراه شده است. سال گذشته شاهد هزاران اعتراض کارگری در تمامی بخشهای صنعتی و خدماتی و دولتی بودیم. اما لازم به تاکید است، کلیه این اعتراضات بدون وجود تشکلات مستقل و به عقب راندن این محدودیتها موفق به تحمیل خواسته های گسترده کارگری و عبور از این وضعیت بحرانی نخواهد شد. ما تشکلات مستقل ذیل از همکاران گرامی در تشکلات کارگری بین المللی می خواهیم که حمایت خود را از کارگران و معلمان ایران هر چه گسترده تر ادامه دهند و در این تلاش و مبارزه یار و همراه ما باشند.

## سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

### کانون صنفی معلمان تهران

### سندیکای کارگران بیشکر هفت تپه

### سندیکای کارگران نقاشان استان البرز

۲۶ خرداد ۱۳۹۶

## حق اسماعیل عبدی، زندگی است!



اسماعیل عبدی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران، از تاریخ ۱۰ اردیبهشت در اعتراض به حکم امنیتی خود دست به اعتصاب غذا زده است. اسماعیل عبدی از پیگیرترین کوشندگان صنفی حقوق آموزگاران است. همه او را می‌شناسند به ویژه دستگاه قضایی. جرم او تلاش برای رفع نقص‌های آموزشی و پرورشی و همچنان دفاع از معیشت آموزگاران میهن مان است. حق او زندگی است!

می‌دانیم که مبارزات اجتماعی را باید همگانی کرد، اما نمی‌توانیم در مقابل حق کشی‌های ناروا شاهد مرگ کوشنده‌ای توانا باشیم که دست‌های پنهان حذف او را خواهانند تا فعالین صنفی و مدنی برای اعتراضات خود دست به اعتصاب غذا بزنند. اعتصاب غذایی که نتیجه‌ای جز مرگ و یا علیل شدن ندارد، چون تسلیمی در کار نیست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران همگام با آموزگاران خود در کانون صنفی معلمان تهران خواستار پایان دادن به این ماراتن مرگ بوده و آزادی برحق تمامی کوشندگانی که این چنین دست به اعتصاب غذا زده‌اند را خواستار است.

جای اسماعیل عبدی در کنار شاگردان و خانواده بزرگ و سربلند کانون صنفی معلمان تهران و ایران است.

ما از اراده‌ای که برای پایان دادن به این اعتصاب غذا در سیستم قضایی در حال شکل گرفتن است، استقبال می‌کنیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۸ خرداد ۱۳۹۶

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



### گزارشات خبرنگار پیام سندیکا از نیشکر هفت تپه:

۱- درحالی که استانداری خوزستان چندین بار است بدلیل گرمای بالای ۵۴ درجه بخشنامه صادر میکند و ساعات کار ادارات را کاهش میدهد اما کارگران بخش کشاورزی نیشکر هفت تپه باید در دمای ۵۴ درجه به آبیاری مزارع و سمپاشی آنها به عنوان کارگر روزمزد با یک میلیون تومان که هر ۳ ماه یک بار آنها را با اعتصاب پرداخت شود، شامل این بخشنامه ها نمی شود. فرمانداری شوش اعلام کرده است این بخشنامه شامل کارمندان ادارات است که زیرکولر نشسته اند. واقعن کارگران چه گناهی کردند.

همچنین امروز ۱۷ تیر بازنشستگانی که در ۲۵ اسفند ماه در نیشکر هفت تپه بازنشسته شده اند ساعت ۱۰ صبح داخل نیروگاه کارخانه شدند و برق شرکت را قطع کردند. و مجدد هم شیشه های حسابداری را شکسته، کابلهای تلفن های مخابرات را قطع کردند و سپس در جلوی درب کارخانه تجمع نمودند.



۲- امروز ۱۴ تیرماه کارگران بازنشسته اسفند ۹۵ دو دسته شدند. گروهی برای گرفتن جواب پیگیری به فرماندارشوش مراجعه کردند که بجای گرفتن جواب درخواستشان از فرماندار تهدید شدند. فرماندار می گوید: «اگر اینجا راترک نکنید دستورخواهم داد تا نیروی انتظامی شما را جمع آوری کنند» همین برخورد فرمانداری باعث شد کارگران به شرکت مراجعه و به همراه دیگر بازنشسته ها که درب ورودی شرکت رابسته بودند، به دفترمدیریت شرکت و حسابداری حمله کرده و اقدام به شکستن دوربین ها و شیشه های مدیریت و حسابداری کنند. متاسفانه دولت، مسئولین استانی، شهرستانی و شرکت بجای حل حقوق قانونی این افراد و کارگران شاغل که بناچار اقدام به تحصن اعتراضی می کنند، آنها را اراذل و اوباش اعلام می کنند. این در حالی است که این افراد در دمای بالای ۵۰ درجه در این شرکت مشغول بودند.

هنوز چند گاهی از رای مردم و کارگران به دولت حسن روحانی نگذشته است که شاهد این برخوردهای ناشایست مسئولین مربوطه با کارگران هستیم.

۳- آقای روحانی منشور حقوق شهروندی که از آن دم میزنی این است؟ که شرکتی را با این همه بدهی و هزاران کارگر به بخش خصوصی ناکارآمد و ناتوان واگذار کنی و در پاسخ کارگران آنها را تهدید به برخورد کنی؟ ما در دولت احمدی نژاد در دهه ۸۰ کم باتون و گازاشک آور نخوردیم؟ کارگران بارها بازداشت زندانی و اخراج شدند. ما به شما رای ندادیم که نزد خانواده خود شرمزده و تحقیر شویم؟ ما به شما رای ندادیم که دفترچه های درمانی ما ۴ ماه فاقد ارزش باشد و وزیرکار شما از تحت پوشش بیمه ای قرار گرفتن افراد مستمند حرف بزند. شما دارید با جامعه کارگری چکار میکنید این هم از طرح کارورزی شما که کارگران و تحصیل کرده های دانشگاهی را به جای اشتغال پایدار به برده تبدیل خواهد کرد. شما فقط ب فکر آمار و اقدام هستید نه اشتغال پایدار؟ شما دارید در جهت حمایت از سرمایه دار، نیروی کار را نابود می کنید. کارگر چند روز و چند ماه باید برای حقوق خود دست به اعتراض بزند؟ چراسازمان خصوصی سازی به هفت تپه مراجعه نمی کند تا ببیند چه دسته گلی به آب داده اند؟ چرا نیروهای امنیتی منطقه علیرغم گزارش مکرر کارگران اقدامات لازم را انجام نمی دهند؟ مگرما ایرانی نیستیم؟ آقای روحانی شما مگر دم از اقتصاد مقاومتی نمی زنید؟ ایا با این نیروی کار که رمق آنها را با اقدامات غیرکارشناسی و ناشیانه گرفتید می خواهید چه کنید؟ مگرما مردم خوزستان و شوش نبودیم که زیر توپ و گلوله هم در این شرکت کار اقتصادی کردیم هم از وطن دفاع کردیم؟ چرا وقتی به قدرت رسیدی همه چیز را فراموش کردید؟

۴- اجتماع بازنشسته های شرکت نیشکرهفت تپه جلوی فرمانداری شهرستان شوش هم اکنون. از صبح امروز کارگران بازنشسته نیشکرهفت تپه به دوگروه تقسیم شدند. حدود ۲۰۰ نفر جهت گرفتن نتیجه پیگیری از فرماندار، جلوی فرمانداری شوش تجمع کردند و گروهی دیگر درب ورودی شرکت را بسته و مانع عبور و مرور به شرکت شدند.

فرماندارشوش به کارگران اعلام کرده بود تا فردا ( یعنی امروز) مشکل ۴ درصد آنها حل خواهد شد. اما وقتی کارگران به تامین اجتماعی هفت تپه مراجعه کردند متوجه شدند اقدامی صورت نگرفته است. بیش از ۱۰۰ روز

است که این کارگران سرگردان و بلا تکلیف و معلق از کار هستند و کارفرما با تقاضای آنها برای بازگشت به کار مخالف است.

دولت آقای روحانی با واگذاری شرکت به این مالکین شرکت، واقعا روی دولت احمدی نژاد را در اجرای اصل ۴۴ سفید کرده است. دولت با این واگذاری کارگران هفت تپه را از چاله به چاه انداخته است. صدای مظلومیت کارگران شرکت فریاد در زیر آب است چون مسئولین منطقه یا توان برخورد با کارفرما راندارند یا مانند رئیس اداره کار علنا از آنها حمایت میکنند.

خانم رقیه محمودی اخیراً در حضور و خطاب به تعدادی از کارگران عنوان کرده که برخی از کارگران منطقه ۸ ماهه حقوق نگرفتند، نباید اعتراض بکنید. ما از سرمایه گذار شرکت حمایت میکنیم. ایشان متأسفانه ماده ۳۷ قانون کار را شاید بخاطر اینکه تازه کار هستند و حتی یک روز تجربه و سواد قانون کار ندارند، ندانند. و هنوز وقت خواندن مواد قانونی را پیدا نکرده اند. ایشان حدود ۲ ماه قبل علیرغم حضور افراد با تجربه تر در اداره کار شوش به این مقام منسوب شده اند. ایشان قبلاً مسئول تعاون شوش بودند و پس از برکناری مدیر قبلی در این مقام قرار گرفتند.

## ۵- استمداد کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه از فرماندار شوش در مراجعه حضوری

حدود ۵۰ نفر از کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه به نمایندگی از طرف ۳۴۱ نفر کارگر بلا تکلیف این شرکت به فرمانداری مراجعه کرده با فرماندار دیدار کردند. در این دیدار فرماندار شوش در خصوص اطلاع از آخرین وضعیت این کارگران با سازمان تامین اجتماعی و مدیریت شرکت تماس گرفته و به کارگران اعلام کرده که فردا ۱۳ تیرماه مشکل آنها حل خواهد شد.

حدود ۱۰۰ روز است که این ۳۴۱ نفر بنا به اعلام کارفرمای این شرکت بازنشسته شدند و از تاریخ ۲۵ اسفندماه بر سرکار حاضر نمی شوند، ولی بدلیل ناتوانی مالی کارفرمای این شرکت که حدود ۱۵ ماه است خصوصی شده، هنوز ۴ درصد سهم کارفرمای آنها به بیمه پرداخت نشده و بیمه نیز برای آنها

ترک کار و برقراری حقوق مستمری را اجرایی نمی کند. حتی تعدادی از این افراد بخاطر بلاتکلیفی حاضرند به سرکار برگردند که کارفرما مخالف این موضوع است. منتظر می مانیم تا فردا ببینیم چه خواهد شد.

۶- توهین قائم مقام مدیریت شرکت نیشکر هفت تپه به کارگران معترض از بدو حضور بخش خصوصی در شرکت و به دلیل ناتوانی در انجام تعهدات قانونی خود که همواره با واکنش شدید کارگران مواجه شده ، این موضوع باعث خشم و ناراحتی کارفرما شده است. اخیرا بمناسبت عید فطر ایشان در نمازخانه شرکت که جای نیایش و عبادت است، حتی حرمت این مکان را حفظ نکرده و بجای معذرت خواهی از پرسنل به دلیل ناتوانی خود در پرداخت مطالبات آنها، کارگران معترض را اراذل و اوباش خطاب کرده و اعلام نموده است که «منبعد فضای شرکت را امنیتی خواهد کرد»

این چندمین بار است که مدیران شرکت بجای توجه به خواست کارگران اقدام به توهین کرده و یا با وارد کردن نیروهای انتظامی به شرکت برای ایجاد رعب و وحشت کارگران اقدام به شلیک هوایی نموده و به کارگران فحش های ناموسی داده میشود. چندی قبل هم امیداسدیگ مدیرعامل شرکت از این الفاظ طی مصاحبه ای استفاده کرده بود. این روزها بدلیل بی تفاوتی مسئولین، کارگران یکه و تنها درحال نبرد با کارفرما برای احقاق حق مسلم خود هستند و اگر مسئولین منطقه تدبیری نیاندیشند و تکلیف شرکت و کارگران را نسبت به برگشت شرکت به شرایط دولتی فراهم نکنند، باید انتظار هر موضوع و اقدامی را در آینده داشته باشند. چون کارگران بیش از این نمی توانند شاهد این بی اخلاقی ها و بی حرمتی ها بوده و سکوت اختیارکنند.

این منطقه دارای بافتی عشایری و طایفه ای بوده و به هیچ عنوان مردم این منطقه این اعمال و شیوه برخورد را برنمی تابند. که امید است باتوجه به شرایط خاص و حساس منطقه و کشور با اقدام به موقع و مسئولانه به ویژه توسط مسئولین امور در منطقه مانع هرگونه سواستفاده از این گونه نارضایتی ها و بحرانی شدن شرایط کشور بشویم.

**جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه**

۷- صبح امروز ۷ تیرماه بازنشسته های نیشکر هفت تپه در اسفندماه این شرکت بدلیل بدعهدی مکرر کارفرمای درخصوص وعدهای داده شده، در مقابل درب امور اداری شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

مدیر امور اداری در این تجمع اعلام کرد که باهماهنگی های به عمل آمده چند جانبه بین سازمان تامین اجتماعی و شرکت و استانداری مقرر شده که از طریق شورای تامین استان این توافق اجرایی شده و مشکل ۴ درصد سهم کارفرمای ۳۴۱ نفر کارگران بلاتکلیف شرکت و مشکل دفترچه های درمانی کارگران که ۴ ماه است بخاطر پرداخت نکردن مبلغ بیمه ماهیانه کارفرما فاقد اعتبار هستند با موافقت تامین اجتماعی حل شود.

شرکت نیشکر هفت تپه بیش از ۲۳۰ میلیارد تومان برابر با یک چهارم ارزش و سرمایه شرکت هفت تپه به تامین اجتماعی بدهکار است و از زمان خصوصی سازی در این ۱۵ ماه اخیر حدود ۵۰ میلیارد به مبلغ مذکور افزوده شده است.

نیشکر هفت تپه بزرگترین بدهکار سازمان تامین اجتماعی در سطح کشور است. سوال اینجاست چرا شرکت را با مبلغ پرداخت ۶ میلیارد تومان یعنی دوسوم مبلغ حقوق یک ماه پرسنل شرکت از طریق مناقصه سوری به مالکین جدید واگذار کرده اند؟ که جای سوال و تحقیق و تفحص دارد. ولی این شرکت را به سازمان تامین اجتماعی که یک شخصیت حقوقی قدرتمند است بجای طلب خود از شرکت واگذار نکردند تا کارگران این شرکت دچار معضلات موجود نشوند. متأسفانه شرکت نیشکر خودمانی سازی شده نه خصوصی سازی بخاطر همین موضوع است که فریاد پرسنل این شرکت در این مدت بجایی نمی رسد. کارگران این شرکت ۲ ماه حقوق و ۲ ماه پاداش سالهای گذشته و علاوه بر اینها شرکت حقوق کارگران روزمزد در بهمن و اسفند سال ۹۴ را به همراه حق بیمه آنها، بدلیل اختلاف با پیمانکار طرف قرارداد خود پرداخت نکرده و هنوز ۱۰ میلیارد بیمه سهم کارفرماها که مصوبه مجلس در سال ۹۲ است را شرکت به تامین اجتماعی پرداخت نمی کند، تا حدود ۱۸۰ نفر نی بران بلاتکلیف فصلی نیز بازنشسته شوند.

دولت باید پاسخ دهد که چرا این شرکت را با این همه مشکلات حل نشده معوق به کسانی واگذار کرده که از پرداخت حتی جیره ماه رمضان حدود ۲۵۰۰ نفر از پرسنل خود که شامل ۲ عدد مرغ و یک پاکت خرما و یک کیسه برنج است برنامه‌ریزی. چرا با اینگونه واگذاریها شرایط منطقه را در نظر نگرفته و هر روز کارگران باید برای ابتدایی‌ترین حقوق خود دست به اعتصاب بزنند و بصورت فله‌ای توسط کارفرما اخراج شوند.

از مسئولین مربوطه که در خواب غفلت هستند می‌خواهیم که هرچه زودتر به این اقدام غیرکارشناسانه و رانتی و ظالمانه نسبت به حقوق کارگران و خانواده‌های آنها پایان دهند و واگذاری شرکت را لغو و به دولت بازگردانند

## گزارشات خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن اصفهان



- ۱- با اینکه سه ماه از سال می‌گذرد هنوز ثبت نام استخرها برای استفاده شاغلین و بازنشسته‌ها اعلام نمیشود. چرا؟
- ۲- قسمت نورد ۳۵۰ پست یک بدون سیستم سرمایشی است. نه مدیریت نورد به فکر کارگران است و نه مدیریت اجتماعی شرکت. آیا مدیران در این شرایط خودشان میتوانند چند روزی کار کنند؟
- ۳- در بسیاری از قسمتهای مدیریت فولادسازی از جمله LF۲ آب آشامیدنی قطع است. مدیران قسمت زمانی که مشکل بروز میکند تازه به فکر چاره

می‌افتند. کافی است از حقوق این مدیران شلخته و بی‌مسئولیت کسر حقوق صورت گیرد تا بدانند بدون آب آشامیدنی کار کردن سخت است.

۴- از مدیریت بیمه و اموال می‌خواهیم که علت حذف بیماری‌های قند و قلبی از خدمات بیمه‌ای به بیماران صعب‌العلاج را بگویند. و چرا کارت‌های ما را هم فاقد اعتبار اعلام کرده‌اند. ما با این بیماری‌های پر هزینه و دستمزد کم چه کنیم؟

۵- بارها از مدیریت بیمه و اموال خواسته ایم که یک پزشک معتمد داندنیزشکی در بیمارستان شهید مطهری مستقر شود، ولی کو گوش شنوا. این چهارمین بار است.

۶- چرا میزان پوشش هزینه‌های بستری و جراحی در بیمه تکمیل درمان به کارگران اعلام نمی‌شود که در هر بیمارستان و یا درمانگاهی فرانشیزها بصورت دلخواه از ما کسر نشود.

۷- وام مسکن خیلی دیر و به کندی داده می‌شود. چرا؟؟ کارگران اگر نیاز نداشته باشند درخواست وام نمی‌کنند.

۸- بارها از مدیریت اداری خواسته شده جهت صرفه جویی مالی و هم حفظ محیط زیست، گزارش روزانه از قسمت‌ها را از گزارش کاغذی به سیستمی تغییر دهد. اما مدیریت اداری اعمال نمی‌کند.

۹- چرا برای ورزش بدنسازی در شهرهای اصفهان، خمینی شهر، شاهین شهر قرارداد بسته نمی‌شود تا کارگران بتوانند به ورزش دلخواه خود بپردازند.

۱۰- در شرایطی که هر روز گرما مردم را بی‌طاقت تر می‌کند لزوم استفاده از استخر بیشتر احساس می‌شود. متأسفانه مدیریت خدمت و امور اجتماعی شرکت، استخرهای ولایت و کوهستان نجف آباد را تمدید قرارداد نکرده‌اند.

۱۱- چرا ساعت کاری کارگزاران بیمه تامین اجتماعی در شرکت اعلام نمی شود؟ همچنین بیمه تکمیل درمان نوزادان هم اطلاع رسانی نشده است.

۱۲- کارکنان مدیریت تولید کک و مواد شیمیایی خواستار حل مشکل سنوات و پرداخت سریعتر وام های در خواستی و رعایت مسایل زیست محیطی در محل کار هستند. همچنین موضوع سختی کار را بارها با مدیران مطرح کرده و خواستار سرکشی مدیران به این بخش و اطلاع از مشکلات کارگران بوده تا سریعتر رفع شود.

۱۳- مدیریت بیمه و اموال به جای گسترش قراردادهای در جهت آسایش کارکنان، متأسفانه اقدام به فسخ قرارداد با کلینک دندانپزشکی شهرکرد و قطع قرارداد بیمه تکمیل درمان با کلینک خانواده اصفهان نموده است. چرا؟؟

۱۴- مدیریت آسایش کارگران را با عقد قرارداد با استخر الماس فولاد شهر در نظر داشته باشند.

۱۵- مدیریت خدمات و امور اجتماعی بررسی کند چرا کیفیت نان توزیعی در سطح رستوران های شرکت پایین آمده است؟؟

۱۶- به سرویس حمل و نقل مسیر دروازه شیراز اخطار داده شود و یا تعویض گردد. چرا که با تاخیر در محل سوار کردن مسافرین خود در ترمینال حضور یافته و باعث رنجش و گاه درگیری را فراهم می سازد. مسوولین پیگیری کنند.

۱۷- کارگران از بی نظمی سرویس بهارستان گلّه مند هستند. بازدیدهای دوره ای از حمل و نقل چاره کار نیست. بازرسان باید بصورت سر زده این موارد را پیگیری کنند.

۱۸- کارگران و کارکنان شرکت درخواست پوشش دادن بیمه تکمیل درمان برای پدران و مادران خود را دارند.

۱۹- کارگران بخش های مختلف شرکت خواستار فعال کردن سامانه رتبه و امتیاز وام های مسکن ضروری و پس انداز و پورتال شرکت هستند. مدیریت خدمات امور اجتماعی شرکت بررسی و اقدام کند

۲۰- بارها شکایت شده که پزشکان طرف قرارداد بیمه ایران از مراجعه کنندگان پول ویزیت می گیرند چرا مدیریت بیمه و اموال دخالت و پیگیری لازم را نمی کند؟

۲۱- از مدیریت تقاضا می شود جهت ایمنی و حفظ جان کارگران برای حمل دستی پاتیل مواد مذاب به آزمایشگاه فکری بکنند. آیا نمی شود از ربات ها برای نمونه برداری از پاتیل و حمل آن به آزمایشگاه بهره گرفت؟ مانند سالهای قبل؟

۲۲- مدیر مالی و اقتصادی ذوب آهن از کاهش هزینه های تولید شرکت در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۴ خبر داد. امیدواریم این صرفه جویی که با دستان کارگران اجرایی شده است به امکانات بهتر و دستمزد بیشتر کارگران ختم شود.

۲۳- متأسفانه مشکلات همیشگی کارگران چه در موضوع بیمه های تکمیل درمان، موضوع سرویس های حمل و نقل کارگران، کیفیت بد نان، درمانگاه ها و کلینک های بی کیفیت، سختی کار، طبقه بندی مشاغل..... همچنان مشکل همیشگی کارگران است.

کارگران ذوب آهن چاره ای ندارند مگر اینکه سندیکا‌های چند گانه خود را در این کارخانه عظیم برپا کنند تا بتوانند مشکلات خود را بصورت ریشه ای حل کنند. تلاش برای ایجاد سندیکاها را جدی بگیریم و با همکاران خود در این زمینه گفتگو کنیم.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از اعتصاب در پتروشیمی دماوند



سال ۱۳۹۶ سه ماه اول خود را سپری کرده است ولی تاکنون بسیاری از کارگران پارس جنوبی دستمزدهای دو سه ماه آخر سال ۹۵ خود را نگرفته اند. جسارت اعتراض و اعتصاب نیست. کارها کم شده اند و بیکاری بیداد می کند و کار پیدا کردن برای دوستان و آشنایان از سالهای پیش بسیار سخت شده است و این دامنه ترس از بیکاری، کارفرمایان را چنان گستاخ نموده است که در جهت استخدام کارگر ارزان، کوچکترین جنبش مطالبه گری را با تسویه حساب و بلک لیست جواب میدهند. یعنی بعد از تسویه شدن و بلک لیست دیگر نمی توانی در شرکتهای مربوط به پارس جنوبی کار بکنی، مانند کارکنان پایپینگ شرکت پتروشیمی بوشهر که بخاطر اعتصاب برای حقوق و دستمزد قانونی خود همگی تسویه و بلک لیست شدند.

هم اینک در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۲۵ کارکنان شرکت عمران ساحل در پتروشیمی دماوند پارس جنوبی عسلویه بخاطر دیر پرداخت دستمزدهای خود از بهمن سال ۱۳۹۵ تاکنون دست به اعتصاب زدند و سر کارهایشان نشستند. طبق آخرین خبر از وضعیت این اعتصاب از طرف حراست به آنان گفته شد که بروید تسویه حساب بکنید و اگر هم پولتان را ندادند ما هم نمی توانیم کاری بکنیم. شورشخانه کارگران هیچ پناهگاه حقوقی ندارند تا از طریق آن خواستهای خود را بر کارفرما تحمیل بنمایند.

با سپاس، وارتان خرمدين عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران  
(۱۳۹۶/۳/۲۸)

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه ایران خودرو



### ایران خودرو

با توجه به تولید پژو ۲۰۰۸ با قیمت ۹۰ میلیونی و خودرو سواری دانگ‌فنگ چینی از اول سال جاری و فشار کاری بر روی کارگران با حداکثر سرعت در تمامی خطوط تولیدی ایران خودرو، کارگران انتظار دارند پاداشی به دلیل این افزایش تولید به آنها پرداخت گردد.

شایعه‌ای در شرکت ایران خودرو یک ماهی است دهان به دهان می‌گردد که قرار است پاداشی ۶۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومانی تا عید فطر به کارگران پرداخت شود که هنوز عملی نشده و فعلاً در حد شایعه باقی مانده است. از تولید حداکثری در ایران خودرو هیچ چیز جز خستگی و استرس نصیب کارگران نشده است.

## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد اتوبوسرانی



خط انقلاب به جلیلی به دلیل ترافیک زیاد به خصوص در داخل خیابان امام زاده حسن تردد را برای رانندگان بسیار سخت و طاقت فرسا کرده است.

همچنین دستگاههای کارتخوان اغلب خراب بوده باعث تنش بین رانندگان و مسافر می شود. وضعیت سرمایه‌داری در این اتوبوس ها اصلن مناسب نیست و با گرمای هوا مشکلات رانندگان این خط دو برابر می شود. در پایانه انقلاب هیچگونه محل استراحتی برای رانندگان در نظر گرفته نشده و رانندگان باید در خیابان و بصورت سرپایی استراحت کنند و یا در داخل اتوبوس های خود بمانند که باعث خستگی بیشتر می شود.

### "به نام دادگر"



۱- باخبر شدیم در عصر روز شنبه ۱۳۹۶/۲/۲۳ بود ساعت ۲۰/۳۰ شب در میدان دانشگاه آزاد اسلامی واقع در سیمون بولیوار تصادف شدیدی بین دو دستگاه سواری و اتوبوس واحد رخ داد که بر اثر این تصادف شدید یک نفر در دم کشته شد و همچنین خسارات بسیار زیادی به اتوبوس شرکت واحد (دوکابین خط ۱۰) از یکسو و دو دستگاه سواری وارد شد. شدت تصادف به حدی بوده که افراد مصدوم نیز با حال بسیار وخیم به مراکز درمانی اعزام شده اند.

چنانکه قبلاً نیز در مورد سرعت مطمئنه و سرعتی که منجر به تصادفات شدید و حتی جزیی نیز نشود، تذکرات لازم گوشزد شده ولی متأسفانه گروهی از مسئولین با تکرار شفاهی و تذکرات استرس زا درمورد عدم ثبت خطای زمانبندی و ... رانندگان را وادار به عجله نموده شرایط را برای ایجاد تصادفات تسهیل نموده که باعث تصادفات جانی میشود.

ثبت خطای زمانی همراه با تأخیر یک دستگاه یا چند دستگاه اتوبوس که در حال برداشت مسافر در زمان های تعیین شده هستند به مراتب قابل قبول تر و

انسانی تر از کشته شدن چند نفر انسان بی گناه عابر یا سرنشینان دیگر وسایل نقلیه است.

## ۲- مسئولین امداد به چه می اندیشند؟

بادرود به همه ی کارگران، رانندگان و زحمتکشان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

باخبر شدیم که دوستان ما در امداد خودرو شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شرایط سختی را می گذرانند و از این همه فشار کاری و مزایای اندک خود ناخشنودند و به این وضعیت اعتراض دارند.

این همکاران زحمتکش که بار اصلی رفع معایب اتوبوسهای شرکت واحد را به عهده دارند با کمترین امکانات و کمبودهای فراوان قطعات یدکی و ... از یکطرف و کمبود لوازم ایمنی استاندارد برای راه اندازی اتوبوسهای معیوب (که برخی از این عزیزان زحمتکش توان این کمبودها را با فدا نمودن سلامتی خود می پردازند...) از طرف دیگر، شرایط کاری را بی اندازه به زیان این زحمتکشان رقم زده است.

پیش از این، در امداد واحد از روزهای هفته شش روز را کارکرد + اضافه کار روزانه داشتند که درحال حاضر با حذف اضافه کار روزانه کارکرد روزهای ۵شنبه دوبله به حساب می آید و الان روزهای تعطیلات هفتگی و دوبل ۵شنبه را حذف نموده و با شیفت بندی مانع اضافه کاری این همکاران تلاشگر شده اند و این در دریافتی های این گروه از همکاران خوبان تاثیرات منفی گذاشته است. به همین دلیل این همکاران خواهان دادن اضافه کاری قبلی و دریافتی های مناسب برای رفع نیازهای مالی این گروه تلاشگر می باشند و در ضمن این عزیزان اگر در شیفت عصر شاغل باشند و در آخر وقت ماموریت راه اندازی اتوبوس معیوب در راه مانده نیازمند امداد باشد، و در این ماموریت اگر از زمان حرکت سرویسهای شب جا بمانند از استفاده از سرویس باز می مانند و با مشکلات بسیاری برای مراجعت به محل سکونت خود مواجه میشوند.

باشد که مسئولین خصوصاً" مسئول امداد در جهت حل مسائل این همکاران تلاشگر بکوشند.

۳- با درود به همه کارگران و رانندگان و همکاران زحمتکش و تلاشگر شرکت واحد

پیرو اطلاع حاصله از همکاران رانندگان خط ۱۰، مسیر لاین ویژه خط ده دارای نقص های فراوان فنی می باشد که از آن جمله میتوان به نقص فنی آسفalte مسیر که در بعضی از قسمتهای مسیر هم بصورت کویری آسفالت ترک ترک شده و دست اندازها وحشتناک به وجود آمده و باعث از بین رفتن جلبندی تمام اتوبوس های مسیر خط ۱۰ می شود و هم مسیر مورد اشاره دارای نقص های فیزیکی\_ترافیک و فقدان دسترسی های اصولی ترافیک داخل شهری می باشد. من باب مثال انتهای مسیر جنوب به شمال مسیر یاد شده برای دور زدن اتوبوس های این خط مسائل بسیاری به وجود می آورد، یا هنگام خروج از پل ساوه از مسیر شمال به جنوب احتمال تصادف اتوبوس و وسایل نقلیه شخصی بسیار زیادی دارد.

مدیریت شرکت بهتر است این مسائل را حل کند تا اینکه در فلان سمینار یا...وقت و انرژی و امکانات مادی و معنوی شرکت را به هرز ببرد...

سندیکاهای کارگری مبارزه در راه افشای فساد را الویت خود می دانند

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سنگر مطمئن کارگران و کارکنان شرکت واحد است

تصویر زیر مربوط به خط ۱۰ بی آر تی می باشد که وضعیت اسفناک مشخصاً" رد چرخ اتوبوسها نابود شده و مسئولین همچنان به امر خصولتی سازی شرکت واحد و اقتصاد رانتی و بخور بخور خود مشغولند!!!



## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از تجمع رانندگان تاکسی فرودگاه



۱- امروز از ساعت ۹ صبح ۷ خرداد مجددن رانندگان تاکسی ویژه فرودگاه جمعی درمقابل مجلس بر پا کردند تا شاید فریاد حق طلبانه اشان گوش شنوایی پیدا کند. با توجه نامه داده شده به مجلس، قرار بر این گردید تا به گزارش کارکنان حراست به دفتر رییس مجلس منتظر میشویم تا نتیجه اعلام گردد.

مشکل رانندگان از آنجایی شروع شد که سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی که زیر مجموعه شهرداری است، بدون دقت اقدام به معرفی یک نوع خودرو بنام آریو ساخت شرکت سایپا نمود و تعدادی از رانندگان نسبت به خرید آن اقدام نمودند که این امر به مذاق منافع طلبان خوش نیامد و با هر ترفندی از شروع فعالیت این مدل خودرو جلوگیری بعمل آوردند و باعث مختل شدن وضعیت امرار معاش تعدادی از رانندگان گردیده اند. مشکل رانندگان تاکسی ویژه فرودگاه رانت هایی است که توسط سازمان تاکسیرانی برای عده ای آفازاده مهیا می شود تا رانندگان تاکسی فرودگاه را به خاک سیاه بنشانند. با توجه به اینکه خودرو آریو ساخت سایپا می باشد ولی گردانندگان سازمان تاکسیرانی و فرودگاه از ورود و کار این نوع تاکسی و تاکسی سمند از روز ۳۱ اردیبهشت خوداری کرده اند و نان رانندگان این خودرو ها را بریده اند. در عوض از رانندگان می خواهند که خودرو تویوتا پریوس هیبریدی را به قیمت ۱۵۵ میلیونی و با اقساط ۲ میلیون ۶۴۵ هزار تومانی بخرند تا اجازه کار در فرودگاه را داشته باشند. کسی نیست به این آقایان بگوید که راننده باید در ماه ۹ میلیون کار کند تا هم قسط هایش را بدهد و هم شارژ و هم هزینه هایی چون روغن، سوخت، لاستیک... و خرج خانه. آیا مدیران فکر کرده اند که یک راننده تاکسی روزانه چند ساعت کار کند تا روزی ۳۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشد؟ آیا می خواهند راننده تبدیل به ماشین خواب شود؟؟ تویوتایی که ۴۵

میلیون می‌ارزد و به راننده ۱۵۵ میلیون فروخته می‌شود چند درصدش به جیب مدیران خواهد رفت تا زندگی راننده‌ها سیاه شود؟ آنچه مسلم است نه از تعاونی تاکسیرانان آبی گرم می‌شود و نه از مجلس. فقط رانندگان باید همت کرده و حقوق خود را با اتحاد رانندگان بدست بیاورند. از نظر ما اتحادیه رانندگان تاکسی باید ایجاد شود تا به مشکلات رانندگان سر و سامانی بدهد.

۲- ما خواهان تعیین تکلیف تاکسی در شهر تهران هستیم با توجه به اینکه راننده تاکسی بیمه شخص ثالث گرانتر پرداخت می‌کند، عوارض سالیانه پرداخت می‌کند، مالیات پرداخت می‌کند، شارژ پرداخت می‌کند، توسط بازرشهای سازمان جریمه می‌شود، توسط بازرش شرکت‌های خصوصی بازخواست می‌شود، راننده تاکسی باید دارای مجوز کار (کارنامه تاکسیرانی) برای فعالیت در شهر تهران باشد که برای گرفتن کارنامه باید موارد ذیل را دارا باشد:

امتحان شهر شناسی، گواهی عدم اعتیاد، گواهی عدم سو پیشینه، انجام معاینات پزشکی که همه موارد فوق هزینه در بر دارد حال سوال ما از مسولین این است: حق جابجایی مسافر در شهر تهران به عهده کیست؟ با توجه به اینکه طبق مصوبه شورای محترم شهر تهران وظیفه حمل و نقل و جابجایی مسافر با تاکسی است پس چرا جلوی فعالیت خودروهای شخصی مسافر برادر شهر تهران گرفته نمی‌شود؟ چرا جلوی فعالیت شرکت‌های اینترنتی غیرمجاز که برای حمل و نقل از خودروی شخصی استفاده می‌کنند و با اینکار زندگی خانواده بزرگ تاکسیرانها را به خطر انداخته اند نمی‌گیرید؟ آیا مسولین قادر به پاسخگویی بخاطر ظلم واقع شده در حق رانندگان تاکسی هستند؟

دوستان درآمد یک تاکسی در شهر تهران اعم از بیسیم، خطی، گردشی و... حداکثر روزی ۵۰۰۰۰ تومان می‌باشد آیا یک فرد قادر به اداره زندگی با این مشکلات و گرانی‌ها با این درآمد اندک و ناچیز است؟ لازم به ذکر است این مبلغ درآمد در صورتی حاصل می‌شود که راننده صحیح و سلامت باشد و ضمناً تاکسی دچار نقص فنی نشود. البته باید از مبلغ ۵۰۰۰۰ تومان هزینه سوخت و هزینه استهلاک کسر گردد. من با مدرک فوق لیسانس قادر به محاسبه نیستم لطفاً بگویید چقدر در انتها باقی می‌ماند؟



درود به کارگران ایران زمین....

همانطوری که می دانید سفره های خالی کارگران موضوع روز، تمام مردم ایران است و اینکه شکاف طبقاتی همچنان سیر صعودی خود را با توجه به دامنه نافرجام بیکاری و تورم ادامه می دهد. در این شرایط ناگوار، کارگران در مانده از اینکه چه راهی را برای زندگی و آسایش خانواده هایشان انتخاب کنند در جستجوی لقمه ای نان، شهر به شهر، کوله بار بر پشت در جستجوی کار می گردند.

همانطور که میدانید چرخهای تولید و اقتصاد از حرکت باز ایستاده اند و جوهره کار و کارگری، که سرمایه ملی است همچنان به تاراج سرمایه داری و دلالی افتاده است. تولید نیروی کار ارزان، همچنان در این بازار سیاه بی انصافی و دلالی خودنمایی می کند. در این شرایط ناگوار معیشتی کارگران، پیدا کردن کار برایشان کمیاب شده است. سوداگران سرمایه داری همچنان از سود سرمایه های ملی برای همدیگر خط و نشان می کشند و میخواهند با ایجاد جنگ و کشتار قدرت نمایی و کشورگشایی خود را در جهت چپاول کارگران و غارت منابع ملی سرزمینها نمایش بدهند. بدون تردید بازنده این خط و نشان کشیدنهای سرمایه داران جهانی، فقط و فقط کارگران بوده و خواهند بود.

بایستی به سوداگرانی که بر طبل جنگ می کوبند بگوییم و از آنها بپرسیم که شماها مگر در دوران صلح و ثبات منطقه ای، چه کارهایی برای کارگران و

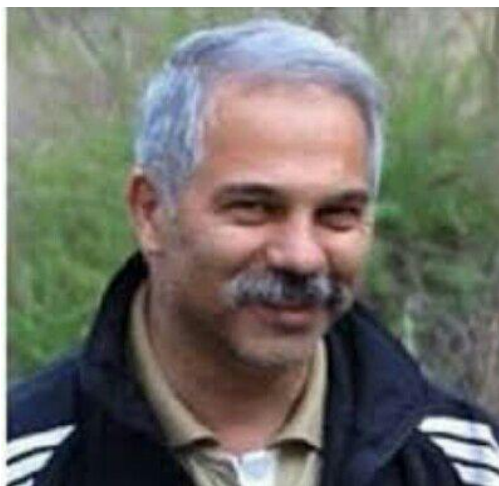
حقوق آنها انجام داده اید که بخواهید آن آسایش و رفاه جامعه انسانی را با جنگ به دست آورید؟!...

دوران صلح و ثبات، دوران سازندگی و تلاش در جهت رفاه جامعه و نشانندن لبخند بر لبهای کودکان است. دورانی که کار و کارگری شغلی مقدس است و بر دستان کارگر بوسه ها میزنیم؛ چرا که تولید اقتصادی و مناسبات اجتماعی به کار و زحمت کارگر بستگی دارد؛ نه دلالتی کار و منپاوری و پیمانکاری و.... که فقط بر مبنای حساب و کتاب سود دهی، سرمایه های مادی و انسانی را تلف می نمایند. شما که ناتوان از مطالبات بر حق کارگری و دستمزد قانونی و حقوقی کارگر می باشید و کوچکترین اعتراض حقوقی را با تسویه و بلک لیست کردن جواب می دهید، شما که قانون اساسی را که مردم بر مبنای آن انتخابات کرده اند پشت پا می گذارید، شما که دست چپاولگران را در غارت منابع کشور باز گذاشته اید و اینهمه پروژه های نفت و گاز را که از دل زمین با هزینه های سنگین بیرون می آیند قدر نمی دانید، شما که هیچگاه نخواستید اید صدای کارگران باشید و یا ندای دادخواهی اش را بشنوید؛ دیگر از جان کارگران چه میخواهید؟!... به خود آبیید و بیشتر از این شرمسار کارگران و خانواده هایشان نشوید، ندای دادخواهی کارگران را بشنوید و در جهت اقدامات سازنده تلاش نمایید.

کارگران پروژه های صنعتی ایران را ساختند؛ اینک شما از خودتان بپرسید که در قبال اینهمه تلاش و بزرگواری کارگران چه کرده اید؟!... میدانم که وجدانتان به شما دروغ نخواهد گفت...

**وارتان خرمدين، عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک**

## ۲۳ تیر ۱۳۲۵ نقطه عطف خیزش جنبش کارگری ایران!



با تاسیس شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران در بهار سال ۱۳۲۳ جنبش کارگری ایران به سطح بالاتری از اتحاد دست یافت و در این سطح با کارفرمایان بزرگ از جمله شرکت انگلیسی نفت در جنوب، خاندان پهلوی و سرمایه داران صنعتی و خدماتی به مقابله و رودررویی پرداخت. اوج این کشمکش در ۲۳ تیر و در اعتصاب کارگران شرکت انگلیسی نفت پدیدار شد. از اوایل سال ۱۳۲۵ دولت وقت ایران و استعمار انگلیس گزارشاتی از قدرتمند شدن زحمتکشان دریافت می کردند. در اول ماه مه ۱۳۲۵ فقط در تهران ۶۰ هزار نفر در راهپیمایی روز کارگر شرکت کردند و سخنرانی رضا روستا رهبر شورای متحده مرکزی از رادیو به مناسبت اول ماه مه پخش شد. بیش از ۳۰۰ هزار کارگر در سراسر ایران با رهبری شورای متحده در راهپیمایی روز اول ماه مه شرکت کردند و این یک قدرت نمایی طبقه کارگر در برابر استعمار و دیکتاتوری بود. نقطه عطف این راهپیمایی در خوزستان بود که طبقه کارگر متشکل در صنایع نفت سینه به سینه استعمار انگلیس ایستاد.

« در راهپیمایی ۱۳۲۵/۲/۱۱ خوزستان، سخنرانان خواستار ۸ ساعت کار، افزایش دستمزد، بهبود وضع مسکن، حقوق روزهای جمعه، تدوین قانون جامع کار شدند. یک سخنران زن، نفت را مروارید ایران خواند و انگلستان را متهم کرد که برای خوراک سگها بیشتر از مزد کارگران خرج می کند و خلع ید از شرکت ایران و انگلیس را خواستار شد. کنسول بریتانیا در خرمشهر هشدار داد که در این مراسم سخنگوی زنان نه تنها تقاضای یک قانون کار جامع متشکل از پرداخت برابر برای کارمساوی را مطرح کرده، بلکه خواستار ملی شدن نفت شده است.» (۱)

بعد از این راهپیمایی و واکنش انگلیسی ها، اعتصاب سراسری کارگران لکوموتیو بدلیل فحاشی سرپرست انگلیسی به کارگران آغاز قدرت نمایی طبقه کارگر را رقم زد. در پی این اعتصاب ۳ روز بعد اعتصاب کارگران نفت آجاری برای: « اضافه دستمزد، ساختن خانه برای کارگران، تهیه دکتر و قباله و درمانگاه برای کارگران، پرداخت مزد روز جمعه » آغاز شد

بی دلیل نبود که از ۲۶ فروردین در نامه فرمانداری نظامی آبادان به وزارت کشور از سخنرانی افراد زیر: فرهاد فلاحتی- علی امید- ناطقی- صفوی- مصلح- نیک زاد- دشتی پور- عبدالله زاده، در معابر، مساجد و محل کارگران خودداری شود. (۶)

روز بعد ۳۵۰ نفر از کارکنان کارخانه های تقطیر و قیر پالایشگاه برای همدردی با کارگران لکوموتیو به این اعتصاب پیوستند. در ۱۸ اردیبهشت طی مذاکره رهبران شورای متحده آبادان با مدیران شرکت انگلیسی نفت موافقت شد: « دستمزد روزهای اعتصاب بطور کامل پرداخت شود و سرپرست انگلیسی به جای اخراج، توبیخ شود »، و اعتصاب پایان یافت.

در همین روز قانون کار توسط هیات وزیران مصوب شد. باتصویب این قانون « حداقل دستمزد براساس قیمت های محلی مواد غذایی تعیین شود، استخدام

کودکان ممنوع شد، ساعات کار روزانه هشت ساعت مقرر شد، پرداخت حقوق روزهای جمعه و شش روز تعطیل از جمله روزکارگر را اجرایی کند و به اتحادیه ها اجازه تشکل و مذاکره با مدیریت را بدهد.» (۱). چهار روز بعد در آذربایجان، حکومت ملی به رهبری پیشه وری یکی از کوشندگان قدیمی جنبش کارگری ایران، اولین قانون کار تصویب شد که: «۸ ساعت کار در روز، کارگران بیسواد جهت سواد آموزی نیم ساعت زودتر کار خود را تعطیل کنند، اضافه کاری با ۵۰ درصد اضافه دستمزد تعیین شد، مرخصی سالانه پانزده تا یکماه مقرر شد، پرداخت دستمزد روزهای تعطیل یا روزهایی که به دستور کارخانه دار کار متوقف میشود، هرگاه کارخانه به سبب اوضاعی که از کنترل کارخانه دار بیرون است تعطیل شود کارگران نصف دستمزد را دریافت خواهند کرد. کارگران بیسواد اجازه داشتند نیم ساعت زودتر کار خود را ترک کنند، تا در کلاسهای مبارزه با بیسوادی که روزانه یکساعت تشکیل می شد حضور یابند.» (۳)

در تاریخ ۱۳۲۵/۲/۲۲ اعتصاب سیزده روزه ده هزار کارگر نفت آغاچاری در اعتراض به شرایط سخت کار و کمی دستمزد شروع شد. این اعتصاب خدمتکاران منازل کارمندان انگلیسی را نیز دربرگرفت. خواسته های کارگران: «توزیع بهتر یخ و آب آشامیدنی، اعزام یک یا دو نفر ماما و سایر خدمات بهداشتی، پرداخت ویژه برای مشاغل دشوار» بود. کارگران اعتصابی نفت جنوب خواستار «رفتار عادلانه با آنها شدند و می خواهند کمپانی طبق قرارداد رفتار کند». سه روز بعد کارگران اعتصابی آغاچاری توسط نیروی نظامی محاصره شدند تا آب و غذا به آنان نرسد. بدنبال اعتصاب کارگران نفت آغاچاری، مطبوعات اعلام کردند که تمام ایران چشم به آغاچاری دوخته است. حمایت بی دریغ شورای متحده زحمتکشان ایران و سندیکاهای کارگری باعث پیروزی شورای متحده خوزستان در این اعتصاب بود. در ۲۹ اردیبهشت پایان اعتصاب کارگران صنعت نفت آغاچاری بدنبال مذاکره با هیات اعزامی دولت اعلام گردید. دولت مجبور شد با نمایندگان شورای متحده

خوزستان به مذاکره بنشینند و خواسته های کارگران را قبول کند. کارگران اعلام کردند: « به جای اخراج کارگر، از حیف و میل عمل خود جلوگیری کنید، هر جا که کارخانه ها به مشکلی برخورد می کنند، تقلیل مزد کارگران را پیشنهاد می کنند در حالی که متخصصان خارجی دستمزدهای بسیار زیادی دریافت می کنند.» اما شرکت غاصب نفت حضور نمایندگان کارگری را برای خود سرشکستگی می دانست، از تعهدات خود سرباز زد و در ۳۱ اردیبهشت کارگران آغاچاری شرکت نفت به اعتصاب یازده روزه خود ادامه دادند.

استاندار و پلیس خوزستان که گوش به فرمان اربابان انگلیسی خود بودند در اول خرداد به کارگران اعتصابی نفت آغاچاری توسط پلیس یورش برده و باعث کشته شدن عده ای از کارگران زن و مرد کارگر شدند. حمایت کارگران نساجی های اصفهان و راهپیمایی کارگران تهرانی و کارگران ساری که حقوق یک روز خود را جهت اعانه به کارگران نفت جنوب اختصاص داده و گفتند: « حاضرند اثاثیه خود را به فروش برسانند و برای کارگران آغاچاری بفرستند » بار دیگر مدیران شرکت نفت را به عقب نشینی واداشت.

شرکت انگلیسی نفت در ۴ خرداد پذیرفت: « دستمزد دوران اعتصاب پرداخت شود، حداقل دستمزد روزانه به ۳۵ ریال افزایش یابد، شرکت نفت مقررات لایحه قانون کار جدید را رعایت کند. » اما سرسپردگان انگلیسی نمی توانستند بپذیرند که کارگران این چنین قدرتمندانه در برابر غارتگری های آنها ایستاده و آنها را وادار به عقب نشینی کنند. در تلگراف علی امید رهبر شورای متحده خوزستان به نخست وزیر به تاریخ ۱۳۲۵/۳/۱۹ گفته شده که: « رفیق آشوری و مهرباب دبیر اول معشور به تحریک عبدالمحمد بهبهانی توسط حسن منشوری بخشداری شادگان در شهربانی کتک کاری ( مرد ضرب و شتم قرار گرفتند)، اگر دولت، مصباح و نوچه هایش را از کار برکنار نکند برادرکشی در خوزستان ترویج خواهد شد. (۴) باز هم در تاریخ ۲۵ خرداد و در نامه مهدی هاشمی نجفی نماینده شورای متحده آبادان به قوام نخست وزیر گفته شد:

«اعلام خطر، حمله به کوی کارگران. چنانچه دولت اجازه دهد، شورای متحده قداراست امنیت و دمکراسی خوزستان را تامین نماید.» (۴) آری طبقه کارگر با سازماندهی کارگری خود به آنچنان قدرتی رسیده بود که می توانست امنیت را در نبود پلیس فراهم کند. رهبران شورای متحده زحمتکشان ایران نماینده مشکلات کارگران در برابر دولت بودند. برای موارد ضروری پول جمع می کردند. یک شبکه کارآمد آذوقه رسانی به مغازه ها درست کرده بودند. چهل و پنج باشگاه بوجود آورده و توسط گاردهای ویژه کارگری از تاسیسات نفت نگهداری می کردند و با انتقال ۲۵۰۰ داوطلب از آبادان به خرمشهر برای ساختن یک سیل گیر مقامات انگلیسی را تحت تاثیر قرار داده بودند. اوباش گری های عوامل انگلیس هر روز بیشتر اوج می گرفت. در ۳۱ خرداد این تلگراف از طرف اتحادیه کارگران اهواز به نخست وزیر مخابره شد: «۵۰ هزار مسلح عبدالکریم بهبهانی پانزده روز است کارگران بندر معشور را محاصره کرده اند.» (۴)

کارگران و شورای متحده که رهبرانش هر روز مورد بازجویی، اخراج و دستگیری و ضرب و شتم قرار می گرفتند در ۱۱ تیرماه، اعتصاب ۶ هزار کارگر نفت آبادان علیه دولت انگلیس و شرکت انگلیسی نفت را پی ریختند. خواسته های کارگران آبادان از شرکت انگلیسی نفت: «پرداخت دستمزد روزهای جمعه، گماردن نمایندگان کارگران در کارگاه ها برای حل و فصل اختلافات میان کارگران و شرکت، افزایش سالانه دستمزدها، وسایل نقلیه برای کارگرانی که ناگزیرند از خانه هایشان تا محل کار چندین کیلومتر پیاده روی کنند» بود. هرچند در روزاول اعتصاب شرکت انگلیسی نفت از مذاکره با شورای متحده آبادان امتناع ورزید، اما مجبور شد در ۱۶ تیرماه به ملاقات رهبران شورای متحده خوزستان حاضرشود. فردای روز مذاکره با دستگیری علی امید رهبر کارگران نفت خوزستان، این تلگراف به نخست وزیر از طرف شورای متحده خوزستان به رهبری غلامعلی مرادی مخابره شد: «در

رابطه با دستگیری علی امید توسط سرهنگ افشار اوغلو و تهدید به اعتصاب همگانی می کنیم». (۴)

با برگزاری سومین جلسه نمایندگان شورای متحده و نمایندگان شرکت انگلیسی نفت در ۲۰ تیرماه برای تعیین حداقل دستمزد کارگران، با لغو وعده شرکت نفت در رابطه با پرداخت دستمزد روزهای جمعه و دستگیری رهبران کارگری که به مذاکره دعوت شده بودند، اعتراضات کارگری ابعاد دیگری یافت و بزرگترین اعتصاب در خاورمیانه شکل گرفت. در ۱۳۲۵/۴/۲۳ اعلام شورای متحده مرکزی زحمتکشان خوزستان اعتصاب عمومی در مناطق نفت خیز خوزستان بر علیه زورگویی های شرکت نفت انگلیسی آغاز شد. ۶۵ هزار کارگر در اعتصاب شرکت کردند که این بزرگترین اعتصاب درخاورمیانه شمرده میشد. این اعتصاب شامل ۵۰ هزار کارگروکارمند دفتری شرکت نفت، ۲۰۰ تکنسین هندی در پالایشگاه آبادان، هزار آتش نشان، راننده کامیون، رفتگر، کارگراه آهن، کارگر نساجی، دانش آموز دبیرستان، صدها مغازه دار، آشپز، راننده و حتا مستخدمان خانواده های اروپایی را نیز در برگرفت. (۱) اعتصاب در ساعت ۶ بامداد در آبادان تحت رهبری شورای متحده آغاز شد. ترات سر کنسول انگلستان اقرار کرد: «اعتصاب بطرز شگفت آوری خوب سازمان یافته و منظم بود. هنگامی که کارگران دست از کار کشیدند، نزدیک به هزار تن از آنان به توزیع جزوه هایی پرداختند که علل اعتصاب را به اختصار توضیح می داد» (۶) آری سازماندهی کارگری چشمان ماموران انگلیسی را خیره کرده بود و آنان انتظار چنین نظم و انضباطی را از کارگرانی که حقیر می شمردند را نداشتند. انگلیسی ها و دولت مزدور محمدرضا شاه پهلوی که پیروزی کارگران و شورای متحده را حتمی می دانستند، در نیمه های شب با حمله ۲۰۰ نفر از عشایر عرب به همراه سربازان با هفت تیر و تفنگ به گاردهای انتظامی شورای متحده که مسلح به چوبدستی بودند و از صنایع نفت حفاظت می کردند، حمله ور شدند. دراین حمله از طرفین ۵۰ نفر کشته و ۱۶۵ نفر زخمی شدند. (۱) فردای روز

حمله، رهبران شورای متحده آبادان نجفی، متقی، وفایی، تربیت، کبیری به عنوان اقدامی آشتی جویانه سلاح های آتش زایی که از اعراب مهاجم گرفته بودند به دفتر فرماندار نظامی تحویل دادند و بلافاصله توسط ارتش بازداشت شدند. (۱) این اعتصاب چنان منافع کشورهای امپریالیستی انگلیس و آمریکا را تهدید می کرد و باعث بالندگی و ارتقا سطح جنبش کارگری شده بود که مجبور شدند کمیته تحقیقی را برای بررسی حوادث به آبادان بفرستد. در ۲۵ تیرماه کمیته تحقیق به سرپرستی مظفر فیروز وزیر کار، دکتر رضا رادمنش دبیرکل حزب توده ایران، دکتر حسین جودت از اعضای رهبری شورای متحده زحمتکشان ایران برای بررسی اعتصاب وارد خوزستان شدند. در اولین اقدام دستور آزادی رهبران اعتصابی نجفی، متقی، وفایی، تربیت، کبیری از زندان را دادند و آنان را به میز مذاکره فراخواندند. رهبران اعتصابی به خواسته های خود این مورد را هم در مذاکره اضافه کردند: «برکناری سرهنگ انگلیسی آندروود و معاونش، مصباح فاطمی استاندار خوزستان، فاتح فرماندار نظامی، نادعلی رییس شهربانی که نجفی همه آنان را نوکران انگلستان نامید»، بودند. برای جاری شدن نفت، خواسته های کارگران پذیرفته شد و امپریالیسم انگلیس برای اولین بار تسلیم خواسته های کارگران شد. انگلیس و هیات حاکمه ایران، طبقه کارگر سازماندهی شده (شورای متحده مرکزی زحمتکشان) را در برابر غارتگری هایش مصمم و استوار دید. برای اولین بار موضوع حراست از منافع ملی از طرف طبقه کارگر مطرح شد و نمایندگان شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران و حزب توده ایران به عنوان سازمانگران و مدافعان منافع ملی و طبقه کارگر در مذاکرات رودرروی امپریالیست ها و هیات حاکمه مزدور نشستند و منافع ملی و خواسته های طبقه کارگر را بر آنان تحمیل کردند. این حرکت و حرکت های دیگر کارگری باعث ملی شدن نفت و کوتاه شدن دست غارتگران از ثروت کارگران در سال ۱۳۳۰ شد. طبقه کارگر که با مبارزات خود در اتحادیه های کارگری آزموده شده بود در سطحی بالاتر در ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱

به حمایت از دکتر مصدق نخست وزیر قانونی پرداخت و نقشه شوم شاه و انگلیس برای نابودی دستاوردهای کارگری را عقیم گذاشت. هیات حاکمه و امپریالیسم آمریکا و انگلیس نه با شاه ترسو، بلکه با طبقه کارگر مقتدر ایران رودرو شدند. شاه و انگلیس و نوکران حلقه بگوششان در صحنه سیاسی ایران با رقیبی سازماندهی شده و آگاه سینه به سینه ایستادند. دیگر در هر اختلاف کارگری این شورای متحده و رهبران کارآزموده اش بود که در مقابل کارفرمایان می نشستند و از منافع کارگران دفاع می کردند. البته استعمار حيله گر انگلیس و مزدوران شاهنشاهی اش بیکار ننشسته و رهبران کارگری را به دلایل واهی از خوزستان و سراسر ایران اخراج کردند. بعد از ۲۳ تیر در خوزستان مقامات استان ۱۲۰ فعال کارگری را تبعید کرده، شرکت نفت ۸۱۳ نفر از رهبران اعتصاب را اخراج کرد و ۱۰۰ نفر از کارگران را به دلیل فعالیت اتحادیه ای که دستگیر شده بودند به علت غیبت بدون مرخصی بیکار کرد. (۱)

دستگیری و تبعید حفیظ اله کیانی رهبر سرشناس شورای متحده آغاچاری به تهران، دستگیری نجفی و غلامرضا مرادی از رهبران شورای متحده آبادان. نجفی را دستبند زده با کامیون شرکت انگلیسی نفت از آبادان بیرون بردند و پس از مدتی بازداشت در اهواز، به تهران تبعید شد. دستگیری رمضان کاوه از تلاشگران قدیمی و رهبران اعتصاب ۱۳۰۸ شرکت نفت در زمان رضاشاه قلد، و زندانی شدن در آبادان. دستگیری ۲۵ تن از رهبران شورای متحده در کارخانه های استان مازندران. دستگیری عزت اله دسی پور سازمان دهنده باربران آبادان، مکی و ربیعی از خرمشهر و محمد کاوه از آبادان.

اما آنچه نازودونی بود محبوبیت و آگاهی طبقه کارگر ایران در برابر اجحافات محمدرضاشاه پهلوی نوکر حلقه بگوش انگلیس و آمریکا بود. رودخانه آگاهی در مغز و روح زحمتکشان جاری و با آنان گسترش می یافت. آوازه مبارزات طبقه کارگر ایران به رهبری شورای متحده زحمتکشان ایران جهانی شده بود.

مسافرت لویی سایان دبیر فدراسیون جهانی کارگران به ایران به منظور تحقیق درباره وضع سندیکا‌های ایران در ۲۵ مرداد بعد از یکماه از اعتصاب بزرگ اتفاق افتاد. در ششم مهرماه پیوستن چهار اتحادیه کارمندی به شورای متحده توان طبقه کارگر را دو چندان کرد: سندیکای مهندسان و تکنسین‌ها، اتحادیه معلمان و کارکنان آموزشی، کانون وکلا، انجمن پزشکان و دامپزشکان و اتحادیه کارکنان شرکت نفت. (۱) در این سال شورای متحده ۱۸۶ اتحادیه و ۳۳۵ هزار عضو داشت که شامل مزدبگیران بخش صنعتی مانند: اتحادیه کارگران نفت، کارگران نساجی، کارگران راه آهن و دخانیات. مزدبگیران ماهر جدید: اتحادیه چاپخانه‌ها، مکانیک‌های اتومبیل و رانندگان، پیشه‌وران سنتی ماهر مشخص اتحادیه قالیبافان. مزدبگیران غیرماهر: اتحادیه کارگران ساختمانی، رفتگران شهرداری، نقاشان ساختمان. شاغلان بخش خدمات: اتحادیه پیشخدمت‌های رستوران‌ها، لباسشویی‌ها، کنترل‌چی سینماها، سندیکای مهندسان و تکنسین‌ها، جامعه حقوق دانها، اتحادیه معلمان و کارمندان آموزش و پرورش، اتحادیه خیاطان، درودگران و کفاشان، اصناف، داروسازها، قناد و روزنامه فروش بود. از سوی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران، به عنوان تنها سازمان اصیل کارگری در ایران شناخته شد. (۱) هرچند رهبران کارآزموده از خوزستان اخراج شدند ولی کادرهای آموزش دیده شورای متحده جای آنان را گرفته و حملات خود را بر علیه ارتجاع و هیات حاکمه فاسد و امپریالسیم انگیس را پی گرفتند.

۲۳ مهر تلگرافی از طرف شورای متحده آبادان توسط پیروز رام به نخست وزیر زده شد: «آزادی تشکیلات در خوزستان، آزادی زندانیان و تبعیدی‌ها و اعزام آنان به خوزستان، محاکمه مسببین ۲۳ تیر ماه، قلع و قمع اشرار فارس، الغای حکومت نظامی، تعیین فوری حداقل دستمزد. در عدم صورت، فرمان اعتصاب عمومی در سرتاسر خوزستان صادر خواهد شد. (۸) که این آغاز فعالیت مخفی شورای متحده خوزستان بود. در یکی از جلسات مخفی شورای متحده مرکزی خوزستان، کل فرج یکی از کارگران شرکت نفت ایران و

انگلیس چنین گفت: «رفقا، ما تنها حقوق حقه خود را می‌خواهیم تا شاید در وضع بهتری زندگی کنیم. کارگران در هر کشوری از جهان برای افزایش دستمزد فریاد میکشند آنان نه به منظور شرارت یا آشوب بلکه از روی حقیقتی فریاد میکشند ... شرکت بجای درمان زخم ما بر آن نمک می‌پاشد. با این همه آنان بهتر است به خاطر بسپارند که ما نیز در انتظار زمان مناسبی هستیم و آنگاه انتقام خود را جزیه جز از آنان خواهیم گرفت. (۹) در ۱۵ آبان رضا روستا دبیر شورای متحده به کنگره اتحادیه کارگری انگلیس چنین تلگراف کرد: «این محافل یعنی دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان به پشت گرمی حضور سربازان انگلستان در بصره و نقطه دیگری از عراق برای پیروزی در انتخابات مجلس قانون گذاری آینده، آخرین بقایای آزادی کارگران را از میان برداشته اند. در خوزستان که ۹۸ درصد از جمعیت کارگری در اتحادیه های کارگری متشکل اند، نامزدهای انتخاباتی کارگران تبعید شده اند و تحت نظر قرار دارند». (۹) آری هیات حاکمه از محبوبیت علی امید، متقی، نجفی، رحیم همداد، رمضان کاوه، رهبران محبوب ۷۰ هزار کارگر و خانواده هایشان می ترسید و برای اینکه آنان بازهم موجب اعتصاب نشوند و از صندوق های رای به مجلس راه پیدا نکنند، آنان را از خوزستان بیرون کرد. شعار تبلیغاتی کارگران آبادان برای رای دادن به علی امید این بود: «ما به امید کارگر رای می دهیم».

رژیم پهلوی برای شکست دادن روند قدرتمندی طبقه کارگر با همدستی آمریکا و انگلیس برضد منافع ملی و غارت هرچه بیشتر ثروت ایران با آیینان همدست شد و به نوکری خود از کودتای ۲۸ مرداد تا ۵۷ هنوز هم در شبکه های ماهواره ای افتخار می کنند. این نوکران سرمایه داری مارا عده ای بی سروپا، خس و خاشاک و مزدور و خائن می نامند که بر علیه غارتگری شان به پاخاسته ایم. ما نخواهیم گذاشت ثروت کشورمان بازیچه دست عده ای نوکر سرمایه داری به یغما برود. ما از منافع ملی امان که همان منافع کارگرمیان است دفاع و حراست خواهیم کرد. ما نخواهیم گذاشت نان فرزندانمان به دست

عده ای انگل که کاری جز دلالی برای سرمایه داری بین المللی ندارند، دزدیده شوند. بیش از یکصد سال است که ما را به نام جاسوس، خائن، نوکر اجنبی، برهم زننده نظم و امنیت اخراج، زندانی و در نهایت می کشند. اما چه باک! ما دست از تلاش خود برای میهنی آباد و مستقل و کارگری برنخواهیم داشت.

امروز تاریخ در مورد رضاخان، محمدرضا پهلوی، قوام السلطنه، فاتح، مصطفی فاطمی سرکردگان شرکت استعماری نفت انگلیس قضاوتش را کرده و از آنان به مثابه شریرترین وطن فروشان نام می برد و بر مزار علی امید، رضا روستا، گل می نهد. این عقب مانده های فکری که کشورشان در چمدان ها و حساب های بانکی اشان است هنوز هم در ماهوراه ها و رسانه های داخلی با همکاری موسی غنی نژادها خواب نابودی علی امید های امروزی را می ببینند. حرکت تاریخ را می شود کند کرد، اما نمی توان به عقب برگرداند.

**آگاهی و عشق به آزادی، عدالت اجتماعی و بهبودی زندگی زحمتکشان را نمی شود کشت و یا زندانی کرد.**

مازیار گیلانی نژاد ۱۸ تیر ماه ۱۳۹۶

#### منابع :

- ۱- ایران بین ۲ انقلاب      یرواند آبراهامیان
- ۲- تاریخچه نهضت کارگری در ایران      شکراله مانی
- ۳- اتحادیه های کارگری و خودکامگی      حبیب لاجوردی
- ۴- از وانا تا وین      عزت اله باقری
- ۵- اسنادی از اتحادیه های کارگری      به کوشش محمود طاهرزاده

## تاریخچه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

مقدمه

به مناسبت ۶۱ یکمین سال تأسیس شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تصمیم گرفتم تاریخچه سندیکای کارگران شرکت واحد را با بیش از ۱۰۰ صفحه سند منتشر کنم.

اولین خط اتوبوسرانی تهران در ۱۴ تیرماه سال ۱۳۳۵ با ۸۰ دستگاه اتوبوس در مسیر بازار تا فوزیه (میدان امام حسین) در حضور نمایندگان مجلس شورای ملی وقت و تعدادی از وزیران افتتاح گردید.

شاید بسیاری نمی دانستند که این افتتاح چه سرنوشتی را برای جنبش سندیکایی پس از کودتا رقم خواهد زد و از دل خود چه رهبران با ارزشی را تقدیم جنبش کارگری خواهد نمود. کارگرانی که در شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران و دوران تاریخ ساز ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ فعالیت کوچکی داشتند ، پس از کودتا متوجه شدند که به چه کادرهای ارزشمندی تبدیل شده اند.

در این تاریخچه شاهد دو گرایش کارگری هستیم. رهبرانی اصیل و با دیدگاههای خالص کارگری و رهبرانی که گوشه چشمی به دولت و مراکز قدرت دارند. رهبران اصیل از هر روزنه ای که برایشان گشوده می شود و یا می توانند باز کنند، بیشترین بهره را برده و آموزش های کارگری را به میان کارگران می برند. این رهبران نمی نشینند تا کارگران به دنبالشان بیایند، بلکه به میان کارگران رفته و هم نفس با آنان به سازماندهی می پردازند. رهبرانی که راه باز می کنند و آن چنان اعتمادی را از کارگران کسب می کنند که در تعمیرگاه شرکت با نخست وزیر به مذاکره می نشینند.

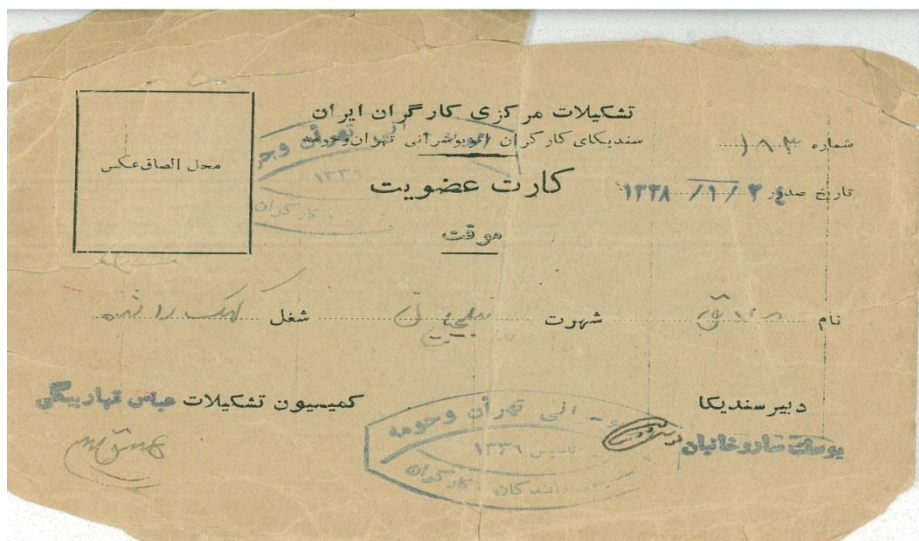
این تاریخچه برش کوچکی از مبارزات جنبش سندیکایی و کارگری است. آنچه مرا واداشت تا به این عرصه پا بگذارم در دسترس نبودن تاریخ مبارزاتی

کارگران بعد از سال ۳۲ تا مقطع ۱۳۵۷ است. به ویژه که جمعی از این رهبران چهره در خاک کشیدند و تنها بخش کوچکی از آنان هنوز زنده هستند و سرفراز زندگی می کنند.

امیدوارم تاریخچه هایی که بعد از این منتشر می کنم به تاریخ نگاران جنبش کارگری افق لازم برای تحلیل و نگارش تاریخ سندیکایی و کارگری را بدهد.

این تاریخچه را تقدیم می کنم به کوشندگان تا به آخر استوار، محمد فرهنگ مطلق و علی مخبریان نجات و علیرضا فرهادی و دیگر کوشندگان این سندیکا تا به امروز.

برای خواندن این تاریخچه و مشاهده اسناد مربوطه، به سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) مراجعه کنید.



( سند شماره ۵ ) از اولین کارت های صادرشده برای اعضای سندیکای اتوبوسرانی تهران به نام صادق نیلچیان. شغل کمک راننده، تاریخ صدور ۲۴ فروردین ۱۳۳۸

## مالیات کارگران و کارمندان



مصوبه ای امروز ۹۵/۱۲/۷ تصویب شد که متفاوت بودن کارگران را از کارمندان نشان می داد. بر حسب این مصوبه کارگران باید بیشتر از کارمندان مالیات بپردازند. مصوبه امروز مجلس مبنی بر تصویب معافیت مالیاتی حقوق کارمندان زیر ۲ میلیون تومان و کارگران زیر ۱/۵ میلیون تومان مطرح شد. با توجه به اینکه مزدبگیران زیر خط فقر دستمزد می گیرند ما معتقدیم که مالیات باید از حقوق های ۵ میلیون به بالا گرفته شود. این که کارگران و کارمندان مالیات بپردازند و کمتر از امتیازات اجتماعی بهره ببرند، عین بی عدالتی است. برای رسیدن به بلوغ آگاهی کارگران باید به سمت تشکل رفت. باید سندیکاها را بر پا کرد و سندیکاهای موجود را فعال و فعال تر نمود. در غیر این صورت در بر همین پاشنه می چرخد که کارگران و کارمندان مالیات بپردازند و کمتر بهره ای حاصل کنند.

## بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

از کانال تلگرامی دانش و کارگر دیدن کنید. بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک @Knowledge\_N\_Worker

لینک ارتباط با ادمین: Samad\_Behrangi@

## مزد، استثمار پنهان

سرمایه داری معتقد است که مزد را بابت کار به کارگر پرداخت می کند و بابت ساعات کاری که برایش کار می کند به او حقش را داده است. متأسفانه کارگر ناآگاه نیز بدین شکل به مزد نگاه می کند. ولی کارگر در واقع نه تنها نیروی کارش را به سرمایه دار می فروشد بلکه جوانی، نیرو، عمر و... به دیگر سخن، زندگی خود را به فروش می رساند. در مدت زمانی هم که کار نمی کند، باید تجدید قوا کرده تا بتواند فردا در کارخانه و یا کارگاه به ادامه کار بپردازد. تا همان نیروی کارش که با استراحت و تغذیه بازیافت شده را باز هم در اختیار سرمایه دار قرار دهد.

این نیروی کار و یا زندگی کارگر در مدت زمانی در اختیار سرمایه دار قرار می گیرد و ایشان آن مدت زمان را مدیریت می کند و کارگر نیز بر طبق انضباط اعمال شده در کارخانه بکار مشغول می شود. بابت این مدت زمان، سرمایه دار برای کارگر **مزدی** را در نظر می گیرد. اما این نیروی کار کارگر است که به کالای تولید شده ارزش می دهد و آنان را قیمتی می کند و نیز سود ایجاد می کند. سرمایه دار از این فروش کالا، قسمتی را به کارگر بابت دستمزد پرداخت می کند، بقیه را برای خودش و هزینه هایی که داشته است تا تولیداتش صورت بگیرد، برداشت می کند. در انتهای پرداختی های سرمایه دار، سود خالصی می ماند، که نصیب سرمایه دار می شود.

پس کارگر پدید آورنده ثروت سرمایه دار است. سرمایه دار این را می داند که بدون وجود و استخدام کارگر، دستگاہایش به خودی خود کار نمی کند و تولیدی انجام نمی گیرد تا به ثروتی دست پیدا کند. این کارگر است که به ماشین آلات و پول سرمایه دار، ارزش می دهد و کالای تولید شده را قابل فروش کرده و سودی برای سرمایه دار ایجاد می نماید. اما در برابر، سرمایه دار به کارگر سهمی از سود را به عنوان مزد، پرداخت می کند که تنها بتواند رفع نیازهای ابتدایی را بکند و همیشه در حد و اندازه کارگر باقی بماند. که هر زمان به نیروی کار او نیاز داشت، با شرایط سرمایه داری، نیروی کارش را در اختیار کارفرما قرار دهد.

مزد را روابط اقتصادی تعیین می کند. واقعیت نهفته در رابطه کارگر و سرمایه دار که با مزد نشان داده می شود، استثمار کارگر از طرف سرمایه دار است. هر دستمزدی شدت رابطه استثماری بین سرمایه دار و کارگر را نشان می دهد. مزد وسیله ای است در اختیار کارفرما که استثمار و ظلم به کارگر را پنهان کند. پنهان بودن شدت استثمار در مزد کارگر، برده وار بودن کارگر را در تامین معیشت خود نهان کرده است.

کار کارگر از دو قسمت تشکیل می شود. کار لازم و کار اضافی. کار لازم به قسمتی از کار گفته می شود که برای تامین دستمزد کارگر و استهلاك ماشین آلات و سود سرمایه گذاری و حق مدیریت کارفرما انجام می پذیرد. کار اضافی آن بخشی از کار است که استثمار در آن صورت گرفته و مستقیم به جیب کارفرما می رود بدون آنکه کاری برایش انجام داده باشد. چرا که حق مدیریت، استهلاك ماشین آلات و سود سرمایه خود را قبلن در کار لازم گرفته است.

البته در سرمایه داری عنوان می شود، آزادی است. کارگر آزاد است و ملک کسی هم نیست و او می تواند هر کجا که دلش خواست برود و با هر مزدی کار کند. این دروغی است که سرمایه داری برای توجیه سلطه خود می کند تا رابطه استثمار را پنهان کند. کارگر نیروی کار دارد و سرمایه دار وسایل تولید. کارفرما برای ثبات و امنیت سرمایه خود دولت را همراه خود کرده، که به حفظ و حراست از سرمایه اش می پردازد. کارفرما برای شدت و تثبیت استثمار پلیس، قاضی، و دولت را ایجاد می کند تا در مقابل نیروی کار از آنها بهره بگیرد. اینجاست که نیروی کار اگر یکه و تنها بماند باید به استثمار تن بدهد. نیروی کار برای درهم کوفتن استثمار و رسیدن به حق انسانی خود، دست به ایجاد سندیکاهای کارگری جهت فعالیت برای بهبود شرایط کار و زندگی می زند. نیروی کار همچنین برای تغییر نظام سرمایه داری دست به ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر می زند. تنها با ایجاد این سازمان هاست که طبقه کارگر به معنای واقعی آزاد خواهد شد.

**بخش پژوهش و آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

## افزایش مزد حق کارگران



کارگران و خانواده معمولاً چهارنفری آنان، که گهگاه بیشتر هم هستند، برای هماهنگی با گرانی ها و تورمی که در بازار کالا ها بوجود می آید، بایستی به ارتقا حقوق و درآمد خود فکر کرده و دست به مبارزه بزنند. افزایش مزد، حق کارگران است، و باید با توجه به مشکلات معیشتی در جامعه، مزد افزایش پیدا کند.

اما در این میان بخاطر سه جانبه گرایی که برای تعیین دستمزد بر پا می شود، نه تنها به خواسته کارگران توجه نمی شود، بلکه به مسئله مهمی باید اشاره نمود. کارفرمایان و دولت معتقدند که درآمد و یا مزد کارگر نباید از حد خاصی بالاتر رود، چرا که با هر گام عقب نشینی کارفرمایان و دولت برای کارگران حقی ایجاد می گردد، که پس از مدتی نهادینه خواهد شد، و به سادگی باز پس گرفتن آن برای کارفرما و دولت، امکان پذیر نخواهد بود. پس دو جانب این سه جانبه گرایی، جانب عدم مزد کافی برای کارگر را مد نظر دارد، و چانه زنی ایشان، برای عدم افزایش مزد است، ولی به علت اصرار و پافشاری کارگران، به حداقلی از افزایش مزد، تن می دهد، که اصلاً مورد تایید مزدبگیران نیست.

کارفرماها و دولت معتقدند که این دستمزد زیاد هم است، و پر مسلم کارگران نیز از آن تصمیم ناراضی هستند، و به اعتراض و شکایت دست می زنند. اما به علت عدم توازن قوا، برای پیش برد خواسته بر حق افزایش مزد، راه به جایی نمی برند.

چاره کار برای مزدبگیران قدرت داشتن در شورای دستمزد و به کرسی نشاندن مزد عادلانه می باشد و این مهم تنها با فرستادن نمایندگان خود از سندیکا‌های کارگری قابل جراست.

پیش بسوی اتحاد برای مزد عادلانه.

شبهانگ کارگر جوشکار



### بدرود گزارشگر مردمی، بدرود!

جامعه ورزش ایران یکی از پیشگامان حوزه گزارشگری را از دست داد. عطااله بهمنش در ۹۴ سالگی به علت سکته مغزی روز یکشنبه ۱۱ تیر در بیمارستان درگذشت.

عطااله بهمنش فعالیت خود را از دیماه ۱۳۳۰ با مجله ورزشی “نیرو و راستی” آغاز کرد. او در میان گویندگان ورزشی تنها گزارشگری بود که توانایی تبدیل صدایش به تصویر را داشت. بهمنش با چنان تبحری فوتبال گزارش می کرد که احساس میکردی در استادیوم امجدیه نشسته‌ای، یا در گزارش های کشتی اش آن چنان مجذوب می شدی که انگار خود نظاره گر کشتی هستی. گزارش هایش آن چنان زیبا بود که بسیاری به خاطر شنیدن گزارش او پای رادیو می نشستند. عشق به مردم، زیبایی گزارشش را صد چندان می کرد.

او بسیار مردمی و دست و دلباز بود. برای مردمش جانفش ارزشی نداشت چه رسد به پول. این انسان والا در سال ۱۳۴۸ به دعوت رییس هیات کشتی ذوب آهن سفری به آنجا نمود. در این سفر با خبر شد که تعدادی از کشتی گیران نیازمند لوازمی چون رادیو، فرش، پول .... هستند که در همانجا این نیازها را تامین کرد. این در حالی بود که روسای ورزش استان و کشور از تامین این گونه لوازم خوداری کرده و اصلن در فکر این مسایل ورزشکاران نبودند.

در عکس یادگاری این سفر این افراد حضور دارند:

ایستاده از راست : داریوش ذاکری، نفر پنجم اصلاان جعفری دودران، نفر هفتم هرمز سعادت‌مند رییس هیات کشتی ذوب آهن، نفر دوازدهم عطاله بهمنش، نفر سیزدهم علی بابا منوچهری مازندرانی، نفر چهاردهم میزبانی، نفر هیجدهم رجایی.

نشسته از راست : نفر پنجم سبحان روحی، نفر آخر مراد علی شیرانی



اصلاان جعفری دودران

## طنزها و خاطرات کازیم عاشقی کارگر فلزکار

### \*سیب زمینی

در روستای گوراوان عجبشیرمردی بود بنام محمد که شنبلور. خدا رحمتش کند. هرکس بتواند چند نفر را در یک جا جمع کند آدم معمولی نیست. همچنین بتواند چند نفر را شاد کند، بازم آدم معمولی نیست و هر کس بتواند نان کسی را بُرد او هم آدم معمولی نیست و.....

ممد قاغا از جمله کسانی بود که با این که خودش مشکلات زیادی داشت و از کمبود در زندگی رنج می برد. اما هر روز چند نفر را با گفته هایش شاد می کرد. روحش شاد.

روزی ممد قاغا در زمینی مقداری سیب زمینی کاشته بود تخمش، آبش، کارگرش، گونی اش، نخش، کودش، از دم نسیه بود. همه امیدش این بود که سیب زمینی را از زمین در بیاورد قرض مردم را بدهد و باقی را خرج خانواده اش کند. چند ماه روی زمین زحمت می کشد تا خلاصه وقت برداشت میرسد. چند کارگر می گیرد که محصول را در بیاورند خودش هم با آنها کمک میکرد.

هر چی زمین را کردند، محصول خوبی در نمی آمد. ممدقاغا زیر لب می گفت: (کوز چیخدی باشا تاختا چیخدی باشا بستر چیخدی باشا) یعنی هی این خوب میشه، هی اون خوب می شه. یکی بدتر از دیگری. خدایا چکار کنم؟ تنها پول آبیاری هم جور نمیشه. به مردم چی بگم. خیلی ناراحت بود.

دخترش میاد برایشان ناهار آورده بود. میگه: آقا آقا .... ممد قاغا می پرسه چیه؟ میگه: عموعباس در کوه مست کرده به خدا فحش میگه. ممد قاغا هم میگه (یاخجی ائلییر دئییر اله هین منه وردیی یئرآلما بودی دا یاخجی ائلییر آغزینا قوربان اولوم آی دئییر ها) خوب کاری میکنه این سیب زمینی که خدا بمن داده حقش همینه. قربون دهنش خوب کاری میکنه.

**خدا رحمت کند به محمد عمی**

## خدا یکیست

در یکی از روستاهای عجیبشیراتفاقی افتاده بود خدمتتان عرض کنم. از مرکز بازرسان می‌آیند اداره و حاضر می‌شوند از چند مدرسه دیدن فرمایند.

بیکی از روستاها می‌روند. وقتی وارد کلاس می‌شوند، معلم کلاس صحبت می‌کرد. یک دانش آموزی داشتیم خیلی پررو و حاضر جواب بود. با خود می‌گفتم: «خدایا تمام دانش آموزان را صدا کند جلو تخته فقط او را نه» می‌گفت: درس بینش داشتیم، موضوع خدانشناسی بود. بازرس وارد کلاس شد، پرسید چه درسی دارید؟ بچه‌ها همگی گفتند: دینی.

بازرس نگاهی به کلاس انداخت، از بدشانشی همان پسر را صدا کرد. وای ددم وای. من فهمیدم: (پوخوا قویاجاخ سیده) بازرس پرسید: اولان چه درسی دارید؟

جواب داد: خدانشناسی آغا (من هم اویریمی ینرم الله بارا قویمیادی با)

پرسید: خدا چند تاست؟ گفت: یکیتاست آغا

بازرس گفت: حتما یک تاست؟؟؟ پسر گفت: بله آغا

بازرس دوباره پرسید: خدا چند تاست؟

دانش آموز با صدای بلند گفت: یک تاست آغا

سه باره بازرس گفت: من می‌گویم دوتاست.

دانش آموز گفت: سن پوخوا ینسن دده وونن الله بیر ده، نه دی آغا؟

دانش آموز گفت: تو گوه می‌خوری با پدرت می‌گویی خدا دوتاست. خدا یک تاست آغا.

سکوتی بر کلاس حاکم شد من از خجالت خیس عرق شدم. بازرس نگاهی بمن انداخت و کلاس را ترک کردند. من هم از شرمنده گی نتوانستم حرفی بزنم.

دانش آموز اسمش رجب بود گفت: آغا معلم اون کافرها را به کلاس راه ندهید کوپیولی می‌گوید خدا دوتاست. من هم گفتم بچه‌ها خدا یکی ست.

کاظم عاشقی

## چه باید کرد؟!؟

چه بسیارند دهقانان زحمتکشی که به پیری رسیدند و دیگر توان راه رفتن ندارند و دیگر بازوان آنها یارای بیل زدن را ندارند. چشمان بی فروغ آنها نمی بینند. قدرت دیدن ندارند و خلاصه آنکه این زحمتکش پرکوش دیگر هیچ ندارد و متأسفانه در این وانفسا هیچ یآوری نیز ندارد. در تاریکی فضای وهم آلود غارت و چپاول دلالان و سلف خرها به اموال غارت رفته می اندیشد و مال باخته را چرتکه میزند و در ناتوانی تمام، دندان به هم می فشارد و از غارتگری و بی لیاقتی ها و بی برنامه بودن آنهایی که شعار رهایی مستضعفین جهان سر میدهند، در رنج است.

چه کسی این فقر را به دهقان تحمیل نمود؟ آینده تمام دهقانان دست و پا زدن در منجلاب فقر و ناتوانی است. نه نانی نه بیمه و نه مسکنی و حقوقی.... چرا کسی پاسخگو نیست؟

سالیان دراز غذا تولی کرد و غارتگران دلال به غارت بردند و اکنون نان را گدایی می کند چه باید کرد؟

آیا پناهی جز برادران دهقانش و همیشه یاورانش، زحمتکشان شهری کسی را دارد؟؟ چاره تنها در تعاون است و بس. برزگر اگر می خواهد دسترنجش به یغما نرود جز متحد شدن در اتحادیه های دهقانی و تشکیل تعاونی های روستایی چاره دیگری ندارد.

باید متشکل و متحد شد تا دست دلالان عاری از خصیصه های انسانی را کوتاه کرد. با تشکیل تعاونی های تولید و همگامی با اتحادیه های دهقانی بر سر تعیین مبلغ گندم، برنج و محصولات کشاورزی با دولت چانه زنی پرداخت. تعاونی های توزیع میوه راه اندازی کرد، تا به جای فروش محصول به سلف خر و دلال، میوه را به خانواده های کارگری رساند تا هم آنها با دستمزد کم شان میوه ای در خانه داشته باشند و هم با فروش عادلانه محصول، دهقان توان تولید دوباره محصول کشاورزی را داشته باشد.

**برزگر همیشه دهقان مانده : سیاوش دماوندی**

## عباس آقا کارگر ایران ناسیونال

سعید سلطانپور شاعر و نویسنده و فعال سیاسی و زندانی سیاسی حکومت‌های تمامیت خواه. سعید سلطانپور خالق اثری بی همتا در تاریخ تاتر ایران و بویژه، تاتر کارگری است. اثری که کمتر به آن توجه شده است.

با پیروزی انقلاب ۵۷ و فروپاشی اقتدارشاهی، فضایی به وجود آمد که مدام بین آزادی و سرکوب آزادی در نوسان بود. این آزادی نیم بند بستری شد برای خلق اثری درخشان و یگانه در تاریخ تاتر ایران به نام «عباس آقا کارگر ایران ناسیونال». هر چند رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها اغلب سعی می‌کنند سال ابتدایی پس از پیروزی انقلاب را سالی کم فروغ برای تاتر ایران نشان دهند، اما این گونه نیست و ما تاتر معدن نوشته بهزاد فراهانی را نیز در پرونده تاتر ایران می‌بینیم.

«عباس آقا کارگر ایران ناسیونال» به حق اولین و درخشان‌ترین تاتر مستند در ایران است که براساس واقعیات و برش‌هایی از زندگی عباسعلی صالحی کارگر اخراجی کارخانه‌ی خودروسازی ایران ناسیونال نوشته شده بود. تضاد میان او به عنوان فردی از طبقه‌ی کارگر و کارفرما به نقد مناسبات سرمایه دارانه‌ی حاکم پرداخت و بازتابی شد از زیست اجتماعی کارگر ایرانی. شرایط ویژه اجتماعی آن سال‌ها این امکان را به سلطانپور داد تا تاتر خود را با خواست مخاطبان‌ش که خواستار آزادی و برابری بودند، پیوند دهد. در طول نمایش بازیگر و تماشاگر یکی شوند و کنشی ناب پدید آید. اجرایی پر از اعلامیه و فیلم و عکس که روحیه‌ی انقلابی تماشاگران پرشمار و پر شورش را تقویت می‌کرد. فریاد‌ها و شعارهای تماشاگران و بازیگران که خواست‌های مشترک سیاسی و اجتماعی‌شان را بیان می‌کردند، در هم می‌آمیخت و تمام سالن یکپارچه به صحنه‌ی اجرا بدل می‌گشت. این عالی‌ترین شکل ارتباط ممکن در تاتر است.

روی صحنه آمدن عباسعلی صالحی به عنوان بازیگری که نقش خود را ایفا می‌کرد و تاثیر عمیق این نمایش بر او به عنوان یک کارگر اخراجی، عوامل اجرا و چندین هزار تماشاگر نشان دهنده‌ی انتخاب فرمی صحیح برای یک

تأثیر سیاسی توسط سعید سلطانپور و درک عمیق او از تأثیر آموزشی برتولت برشت، نمایشنامه نویس و کوشنده سیاسی است.

اجراهای عباس آقا در تهران هر بار، چند هزار بازدیدکننده داشت و سپس با کامیون به شهرهای دیگری هم برده شد. اکثر تماشاگران را مردمی تشکیل میدادند که پیش از این پا به سالن های تأثیر نگذاشته بودند و حالا انقلابشان فرصت این تجربه ی بزرگ جمعی را برای آنها فراهم می کرد. آنچه که اروپاییان پیسکاتور در برلین آرزویش را داشت اینجا مردم به تماشا ایستادند. هزاران زحمتکشی که از این اجرا دیدن کرده اند، هیچگاه شعارها و این نمایش را که بخشی از زندگیشان بود را از یاد نخواهند برد.

اجرای عباس آقا کارگر ایران ناسیونال نهایتاً با حمله ی اوباش به کارخانه ی ایران ناسیونال متوقف شد، اما تلاش سلطانپور برای تداوم تأثیری سیاسی و پیشرو همچنان ادامه داشت تا اینکه دستگیر و جاویدان شد.

آنچه که دشمنان طبقه کارگر از روز بوجود آمدنش در ۳۰۰ سال پیش آرزو داشتند، هرگز تحقق نخواهد یافت. آگاهی با تلاش کوشندگان سندیکایی بار دیگر در میان زحمتکشان جوانه خواهد زد و روزی تمام کارگران اخراجی را بیدار و به سندیکاهای کارگری رهنمون خواهد بود. صدایی که روزی تمام کارگران استنثار شده را بیدار خواهد کرد.

صدایی که اکنون به گوش میرسد. صدایی که میرا نیست.....

گام های سندیکاهای کارگری ایران

**کاری از بخش آموزش سندیکای کارگران  
فلزکارمکانیک ایران**

## واردات پوشاک ترکیه به ایران با چه هدفی؟

چند سالی است با فعالیت شرکت های ترکیه ای در قالب فروشگاههای زنجیره ای پوشاک و مواد غذایی، سرمایه داری خائن مالی وارد عرصه ای شده که بتواند ضربه کاری تری هم به مردم ایران و هم به صنعت کشورمان بزند.

در ۱۶ شهریور سال جاری وزارت صنایع دستورالعملی ابلاغ کرده است تا از ورود بی رویه پوشاک ممانعت به عمل آید. اما آنچه اتفاق افتاده است و رای تصور هر فرد ایرانی است. بازرگانان ترکیه ای با همدستی سرمایه داری مالی ایران و عناصر نفوذی در وزارت بازرگانی توانسته اند از مجاری قانونی ۲۰۰ میلیارد تومان پوشاک با برندهای قلابی وارد ایران کرده، به طبقه متوسط ایران قالب کنند. این ۲۰۰ میلیارد بر طبق برآورد کارشناسان سندیکایی فقط فروش یک ماه این بازرگانان بوده است و بیش از ۱۰ برابر این مقدار از طریق قاچاق وارد ایران شده است و با قیمت گزاف به ایرانیان طبقه متوسط به بالا فروخته شده است.

این امر باعث شده است که فقط در طی سال جاری بنابر برآورد کارشناسان سندیکایی بیش از ۴۰ هزار کارگر خیاط در سراسر ایران و بیش از ۲۰۰ کارگاه و کارخانه تولید پوشاک تعطیل بشوند.

چرا وزارت صنایع، امراضانف، سازمان مبارزه با قاچاق کالا حریف این حجم از واردات نمی توانند بشوند؟ آیا خود همدست مافیای واردات هستند؟؟ واردات پوشاک از ترکیه توسط چه باندی در دولت و دیگر دستگاهها حمایت می شود؟ هدف بازرگانان ترکیه ای از ورود به عرصه مواد غذایی و پوشاک با چه هدفی صورت گرفته است؟ دستگاه دیپلماسی و وزارت اطلاعات به هوش نیستند تا پایمال شدن منافع ملی را ببینند؟؟

بی تردید منافع ملی ما پایمال سودجویی مافیای ایرانی همدست با سیاستمداران ترکیه ای است. امنیت ملی ما در خطر هجوم داعش های اقتصادی است. به هوش باشیم!



## ماشین مدیران سایپا،

جالبه که هیچ کدوم از ساخته های کارخونه خودشون استفاده نمی کنن. خودروهای معیوب تحویل مردم میدن تا با پولش این اقایون خودروهای لوکس خارجی سوار بشن.

## مبارزه زنان شاغل در راه تامین امنیت شغلی



shabestan.ir  
Photo: Raouf Shahbazi

برخلاف وعده‌های دکتر روحانی در انتخابات ریاست جمهوری گذشته، نه تنها زنان شاغل مانند زنان کارگر، معلم، پرستار، کارمند و نظایر آن از حقوق بدیهی محروم هستند، بلکه نرخ بیکاری در میان زنان شاغل افزایش نیز یافته است. نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۴ نشان داد که زنان وضعیت مناسبی در بازار اشتغال ندارند. مطابق آمار ارائه شده توسط معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، کمتر از ۱۰ درصد زنان در دستگاه دولتی مشغول کارند و نرخ بیکاری زنان بیش از دو برابر مردان برآورد شده است. وزیر کار نیز چندی پیش اعتراف کرده بود که کارفرمایان زنان متاهل را استخدام نمی‌کنند و هنگام استخدام از زنان مجرد نیز تعهد کتبی مبنی بر عدم ازدواج و صاحب فرزند شدن با تهدید گرفته می‌شود. وزیر کار گفته‌بود: عدم استقبال کارفرمایان از زنان متاهل است و گرایش به استخدام به زنان مجرد است. امروز کار زنان به سمت فصلی شدن رفته و اشتغال زنان در بخش‌های خدماتی افزایش یافته‌است.<sup>۱</sup> (روزنامه آرمان، ۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۵)

برکسی پوشیده نیست سیاست‌های دولتی تماماً بر حذف زنان از حیات اقتصادی جامعه و خانه‌نشین ساختن آنها استوار است. این برنامه‌ها زمینه سودجویی و سوداگری را برای سرمایه‌داران فراهم ساخته و زنان کارگر و کارمند مجبور به استخدام با شرایط ظالمانه و دستمزد کمتر هستند. این امر بازار اشتغال کشور ما را برای زنان شاغل اعم از کارگر، معلم، پرستار و غیره ناامن

ساخته‌است. به عبارت دقیق‌تر نبود امنیت شغلی یکی از مهم‌ترین مسایل طبقه کارگر به‌ویژه زنان کارگر و شاغل است. زنان کارگر و به‌طور کلی زنان شاغل میهن ما به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر طبقه کارگران و زحمتکشان ضروری است در سازمان‌های سندیکایی حضور و فعالیت موثری داشته‌باشند و از این طریق جایگاه خود را در مبارزه جنبش کارگری و سندیکایی تقویت نمایند. جنبش سندیکایی موجود نیز باید قاطعانه در راه تامین امنیت شغلی زنان شاغل و زحمتکش میهن ما مبارزه کند.

حضور زنان در رهبری سندیکاهای کارگری و پذیرش مسوولیت های سندیکایی به معنای اقبال زنان کارگر از سندیکاهاست و این یعنی اعضای بیشتری برای سندیکاها و قدرتمندی هرچه بیشتر سندیکاهای کارگری و جنبش کارگری است.

سندیکاهای کارگری معتقدند در شرایطی که زنان و مردان کارگر شغل خود را از دست می دهند، بحث و گفتگو در باره ی حقوقی چون نگهداری از کودکان آسان نیست. اما طرح این مسایل ضروری است زیرا نیروی کارگران بطور عمده در محیط هایی گسترش می یابد که زنان کار می کنند وقتی همبستگی و تفاهم میان زنان و مردان وجود داشته باشد. در زمینه هایی چون رفع تبعیض های جنسیتی می توان در دشوارترین زمان ها هم پیشرفت کرد.

\*\*\*

### سندیکاهای کارگری معتقدند:

دستمزد بهتر برای زنان به معنای درآمد بیشتر برای کل خانواده است.

شرایط مطلوب تر در محیط هایی که زنان کار می کنند به معنای این است که کارگران دیگر هم می توانند این شرایط را خواستار شوند.

## آقای وزیر کار، مرگ «ارزان» شده است!

چند روز از انفجار کوره‌ی ذوب فولاد در یاسوج و «ذوب» شدن ۳ کارگر در آن‌جا نگذشته بود که خبر رسید ۴ کارگر کارخانه‌ی پسماند مشهد در دیگِ خمیر کاغذ افتادند و «خمیر» شدند.

این روزها مرگ «ارزان» شده است. هر روز خبر می‌رسد که کارگران پودر می‌شوند، خمیر می‌شوند، ذوب می‌شوند، خاکستر می‌شوند، نابود می‌شوند! مرگ، کسب و کارِ کارگران شده است، اما کسی به «خون‌خواهی» شان بر نمی‌خیزد. کسی رختِ عزایشان را بر تن نمی‌کند. کسی یادشان را گرامی نمی‌دارد. این‌ها «بدن‌های مازاد» هستند. قرار بر این است در چرخه‌ی تولید، زیر چرخ‌های نظام سرمایه‌داری له شوند و از بین بروند. کارگران، تهیدستانند. «تهیدستان» زود فراموش می‌شوند. نه! اصلاً به یاد نمی‌آیند که فراموش هم بشوند.

شاید بعد از مرگ‌شان هم معلوم نشود که پولِ خون و قیمتِ جان‌شان به خانواده‌شان می‌رسد یا نه؟ اصلاً آیا بیمه بوده‌اند؟ اگر بیمه بوده‌اند، کارفرما حق بیمه‌شان را با عنوان لوازم تحریر و لوازم آرایشی رد کرده یا همان کارِ سخت و زیان‌آوری که سرنوشتِ محتوم‌شان بوده است؟ و لابد یک کارگرِ دیگر را مقصر خواهند شناخت تا عدم رعایتِ ایمنی کار توسط کارفرما را ماله بکشند.

### امیر چمنی

سرمایه داران برای فردا برنامه ریزی می کنند! فقرا برای امروزشان! مردمی که فقیر باشند، سلطه پذیرند! فقر، فلاکت، بی هدفی، ستم پذیری و بی تفاوتی پدیده های آسمانی نیست! خواست عمده ی طبقه ی حاکم است!

چون فقط در این شرایط است که می توانند آسان تر حکومت کنند!

### پولادی سندیکالیست



ای کاش جنگی نبود

و اگر هم جنگی بود

فرمان بر این می شد

که سربازان

همدیگر را با تیر نزنند

و فقط برای هم گیتار بزنند

هر لشگری

زیباتر می نواخت

پیروز جنگ میشد

کاش دنیا فقط جای عشق

و دوستی بود

فرستنده : الناز کیان

کاش و ای کاش....

## آگاهی زنان طبقه ی کارگر

کارفرمایان می کوشند آگاهی زنان طبقه ی کارگر را در باره ی اینکه کارگر و بخشی از طبقه ی کارگر هستند، کم رنگ سازند و به جای آن، آنها را از زن بودن خود به معنی عقب مانده ترین معنایی سنتی رایج در رفتار اجتماعی، که از کودکی به گوش زنان فرو می خوانند افزایش دهند. کارفرمایان در تلاشند تا این گونه رفتار عقب مانده در باره ی جایگاه زنان و نقش خانگی آنها را نیروی دوباره بخشند. آنها در تلاشند که زنان باور کنند با دارا بودن وضعیت درجه دومی اجتماعی باید به مردی وابسته باشند."

چنین پیش داوریه‌ها و روشهایی که آن را در ذهن زنان فرو می برد به هزاره ها برمی گردد، به دوران فئودالی و ارباب رعیتی. اما با سربرافراشتن و رشد سرمایه داری، اندک اندک این افکار به سستی گراییده است. زیرا سرمایه داری زنان را وادار کرد که از خانه ها و کشتزارها بیرون بیایند و آنها را همچون مردان به سوی بازار کار کشانید، تا به همراه کودکانشان، کارگران ارزانی برای کارفرما باشند.

یکی از ابزار ضد فرهنگی سرمایه داری، کالای کردن زنان است. مد، آرایش، مانکن، و در نهایت کارگر جنسی شدن. هدف از یورش سرمایه داری به حقوق زنان بیرون کشیدن آنها از نیروی کار نبود. روند تاریخی این امر را ناممکن می نمایاند. میزان کارگران حقوق بگیر و مزدبگیر زن از آغاز انقلاب صنعتی با تغییراتی اندک رو به افزایش داشته است. اما به جای آن هدف آن است که زنان را دستخوش بهره کشی بیشتر قرار دهند.

پس هدف بیرون راندن زنان از بازار کار نبوده بلکه به پایین کشانیدن آنها یعنی واگذاری کارهایی با تعطیلات دستمزدی کمتر (paid holidays)، کار مزدی بیشتر (piece work)، ایمنی کمتر، وقت نهار کوتاه تر، حمایت اتحادیه ای کمتر و دستمزد پایین تر است.

مری آلیس واترز. پیش گفتار کتاب "آرایش، مد و بهره کشی از زنان"

ترجمه ی افشنگ مقصودی



## ۱۱ تیر زاد روز شادی پریدر

شادی پریدر (زاده ۱۱ تیر ۱۳۶۵ تهران) شطرنج باز معروف ایرانی است. وی در محله نازی‌آباد تهران به دنیا آمد و اولین شطرنج‌باز ایرانی است که درجه استاد بزرگ زنان را در سال ۲۰۰۴ به دست آورد. وی ۵ بار قهرمان شطرنج زنان ایران شده که نخستین بار آن در ۹ سالگی بوده است.

آخرین ریتینگ او در اکتبر ۲۰۱۰ معادل ۲۲۵۳ بوده است که او را در رده سی و هشتم بین کل شطرنج‌بازان فعال ایرانی و رده سوم بین شطرنج‌بازان زن ایران قرار می‌دهد. پریدر در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) در المپیاد شطرنج موفق به شکست قهرمان شطرنج زنان جهان آنتونتا استفانووا شد و عنوان استاد بزرگ شطرنج زنان را کسب کرد. درود بر او و همت والایش.



## کیمیای کارگران

تلاش کیمیا علیزاده، تکواندوکار صاحب نام ایرانی در مسابقات جهانی، که با وجود مصدومیت شدید، توانست به مدال نقره مسابقات تکواندو قهرمانی جهان دست پیدا کند.

تبریک کیمیا جان، افتخار ملت ایران!